



# وقتی آقامی آید...

نگاهی گذرا به برخی زیبایی‌های زمان ظهور

سید محسن موسوی





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم ہے:

ساحت مقدّس عمّی بزرگوار امام زمان  
ارواحِ فداہ، حضرت زینب کبریٰ علیہا السلام

امام عصر عجل الله تعالى فرجه فرمودند:

به شیعیان و دوستان من بگویند خدا را  
به حقّ عمّام حضرت زینب علیہا السلام قسم دهند  
تا فرج مرا نزدیک گرداند.

---

شیفتگان حضرت مهدی علیہ السلام: ۲۵۱/۱



# وقتی آقا می‌آید

---

جلوه‌هایی از روزگار باشکوه

ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه

---

سید محسن موسوی



سرشناسه	: موسوی، سید محسن، ۱۳۵۷
عنوان و نام پدید آور	: وقتی آقا می آید: جلوه هایی از روزگار باشکوه ظهور امام عصر (عجل الله تعالی فرجه)
مشخصات نشر	: قم: عطر عترت، ۱۳۸۹
مشخصات ظاهری	: ۱۰۴ ص
شابک	: ۹۷۸۶۰۰-۵۵۸۸۶۳-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. -- غیبت
موضوع	: مهدویت
موضوع	: مهدویت -- انتظار
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۹ و ۷۶۸۵/م/۲۲۴ BP
رده بندی دیوئی	: ۲۹۷/۴۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۰۳۵۱۰۸

## وقتی آقا می آید

سید محسن موسوی

ویرایش: محمد رضا رحیمیان

ناشر: عطر عترت (قم)

قطع و صفحه: رقعی / ۱۰۴

نوبت چاپ: دوم

تاریخ چاپ: تابستان ۱۳۸۹

شمارگان: ۵۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۸۸-۶۳-۷

قیمت: ۱۲۰۰ تومان

تلفن مراکز پخش: قم: ۰۹۱۲۷۴۷۷۱۱۸

کاشان: ۰۹۱۳۲۷۷۵۱۰۰ تهران: ۰۲۰۴۸۲-۰۹۱۲۵۰۲۰

## فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۱۱	تذکر چند نکته
۲۴	عدالت فراگیر
۲۹	رام شدن درندگان
۳۲	قضاوت و دادرسی
۴۱	پایان حزن شیعه
۴۴	سیره حکومتی امام عصر ارواحنا فداه
۴۸	شکوفایی علم و دانش
۵۴	فراوانی ثروت، رفع فقر
۵۸	نجات و نشاط طبیعت
۶۳	تکامل عقلها
۶۶	امنیت همه جانبه
۷۱	طولانی شدن عمرها و سالها

۷۷	جوشش برکت و رحمت
۸۱	شفای همه بیماران
۸۵	سفر به آسمانها
۹۴	سفر بر بال فرشتگان
۱۰۱	بی نیازی از خورشید
۱۰۳	منابع و مصادر کتاب



## پیشگفتار

پیامبر خدا ﷺ می فرمایند:

لا يعذب الله هذا الخلق إلا بذنوب العلماء الذين يكتمون الحق  
من فضل عليّ (عليه السلام) وعترته.

آلا وآنه لم يمش فوق الأرض بعد النبیین والمرسلین أفضل من  
شيعه عليّ ومحبيه الذين يظهرون أمره، وينشرون فضله، أولئك  
تغشاهم الرحمة، وتستغفر لهم الملائكة، والويل كلّ الويل لمن  
يكتم فضائله ويكتم أمره، فما أصبرهم على النار؟<sup>۱</sup>

خداوند این مردم را عذاب نمی کند مگر به خاطر گناهان دانایان ایشان؛  
آن ها که حق را کتمان کردند و فضایل (حضرت) علی (علیه السلام) و عترت  
(ظاهرین) او را بیان نکردند.

۱. قطره ای از دریای فضائل اهل بیت (علیهم السلام): ۱/۲۴۷ به نقل از مشارق الأنوار: ۱۵۱ و الذمعة الساكية: ۵۶/۲.



بدانید راه نمی رود بر روی زمین بعد از پیغمبران و رسولان کسی که مقامش برتر از شیعیان و دوستان علی علیه السلام باشد، آنانی که امر ولایت آن حضرت را ظاهر می کنند و فضایل او را منتشر می سازند. رحمت خداوند سر تا پای وجود آن ها را فرامی گیرد و فرشتگان برای آن ها استغفار می کنند و بدبختی به تمام معنا نصیب کسانی می شود که فضایل او را کتمان می کنند و امر او را پنهان می دارند، چگونه می خواهند در آتش پایداری کنند!؟

وقتی برای نخستین بار در ترجمه کتاب شریف «القطره»، این روایت نورانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را خواندم، به یکباره ترس و نگرانی همه وجودم را فراگرفت. برای لحظاتی به فکر فرو رفته و با خود گفتم: خدای ناکرده من شامل این فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله نباشم، و در زمره آنانی قرار نگیرم که فضایل اهل بیت علیهم السلام را کتمان نموده و در بین مردم منتشر نمی سازند و سزاوار آتش دوزخ خواهند شد!

زیرا اگرچه قابل نیستم؛ اما سالیانی است که با معارف خاندان وحی آشنایی دارم؛ از دوران کودکی پای منبر، روضه، وعظ و خطابه نشسته ام؛ حلاوت و شیرینی ولایت را در حدّ خودم چشیده ام؛ به حقانیت این خاندان و گمراهی و ضلالت دشمنان آن بزرگواران یقین دارم... .

و این، مسأله ای است که باید ذهن و فکر دوستداران اهل بیت علیهم السلام - آنان که دم از محبت حضرت امیرالمؤمنین و امام زمان علیه السلام می زند - را به خود مشغول سازد تا با منتشر ساختن فضائل و مناقب اهل بیت علیهم السلام - خصوصاً امام عصر عجل الله تعالی فرجه - خویشان را از وعده عذابیه که پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله برای کتمان کنندگان آن داده است برهانند.

در این اندیشه بودم که چگونه و از چه راهی می توانم سهمی هر چند اندک

در نشر فضایل اهل بیت علیهم السلام داشته باشم، دیدم نه شاعرم که بتوانم همچون مرحوم پدرم شعری در وصف مولای متقیان بسرایم؛ نه نطق و بیانی دارم که همچون مرحوم کافی با خطابه مردم را با فضایل اهل بیت علیهم السلام آشنا سازم؛ نه دانش و همتی همچون علامه امینی رحمته الله که با قلم خود از ساحت مقدس اهل بیت علیهم السلام دفاع نمایم؛ نه سوز و گداز و نفسی که با صدای گرم و گیرای خود برای مردم از مصائب آل الله علیهم السلام بخوانم؛ نه مال و ثروت آن چنانی که حسینیه و یا مهدیه‌ای بسازم و از خود به یادگار گذارم؛ و نه حال و صفای باطن و عبادت و تزکیه‌ای که لااقل مردم را با زبان بی‌زبانی یعنی با عمل خویش به سوی اهل بیت علیهم السلام فراخوانم که فرموده‌اند: «کونوا دعاة الناس بغير السننکم». در اوج حسرت و ناامیدی این آیه شریفه قرآن مرا تسکین بخشید و خاطر مرا قدری آسوده ساخت:

﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾<sup>۱</sup>.

خداوند، هیچ کس را مگر به قدر توانایی او تکلیف نمی‌کند.

بر آن شدم تا قلم در دست گیرم و با مدد گرفتن از صاحب زمان و مدد رسان عالم و آدم، حضرت بقیة الله ارواحنا فداء مطالبی کوتاه درباره زیبایی‌های زمان ظهور<sup>۲</sup> به رشته تحریر درآورم؛ شاید که ذخیره عصر ظهور و قبر و قیامت باشد و فرشتگان خداوند - انشاء الله - نامم رانه در جرگه کتمان‌کنندگان فضایل اهل بیت علیهم السلام که در زمره ظاهرکنندگان و نشر دهندگان مناقب آل عبا علیهم السلام ثبت

۱. سوره بقره، آیه ۲۸۶.

۲. لازم به ذکر است که همه عصر ظهور امام زمان علیه السلام طلایی و زیباست به حدی که قابل وصف نیست و فقط با درک آن روزگار می‌توان به عظمت و زیبایی آن پی برد؛ ولیکن با نگاه عصر غیبت که زیبا و زشت مخلوطند و غلبه با زشتی‌هاست، این عبارت را به کار بردیم.

و ضبط نمایند.

علت انتخاب این موضوع نیز بی ارتباط با مبحث فوق نیست؛ زیرا اولاً حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه نه تنها یکی از اهل بیت پیامبر ﷺ که امید و وارث آن بزرگواران و آئینه تمام‌نمای فضایل و کمالات همه انبیا و اولیا می‌باشند. آنچه خوبان همه دارند به یک‌جا دارد و ذکر فضایل، اوصاف، ویژگی‌ها و خصال آن حضرت، ذکر مناقب همه اهل بیت ﷺ است.

دوم آن‌که دوران غیبت، دوران غربت ائمه ﷺ و شیعیان آن‌هاست و حقوق و فضایل اهل بیت ﷺ توسط دشمنان و مغرضان و بلکه دوستان به هر دلیلی مورد کتمان و انکار قرار می‌گیرد. تنها با ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه عزت، عظمت و گوشه‌ای از فضایل اهل بیت ﷺ بر اهل عالم آشکار خواهد شد.

ایام فاطمیة ۱۴۳۱ هـ ق

کاشان؛ سید محسن موسوی

### تذکر چند نکته

پیش از پرداختن به موضوع اصلی کتاب، تذکر چند نکته لازم است:

۱ - حقیقت آن است که با ظهور امام عصر عجل الله فرجه و شکل گیری مدینه فاضله الهی، چنان تحوّل در زمین و زمان صورت می پذیرد که ترسیم شکوه و عظمت آن هرگز امکان پذیر نیست. تفاوت دنیای قبل و بعد از ظهور، تفاوتی از «جهنّم تا بهشت» است و همان گونه که بهشت خداوند و نعمت های بی کران الهی را نمی توان توصیف کرد؛ بهشت موعودی را که با ظهور امام عصر ارواحنا فداه در سرتاسر گیتی برپا می شود را نیز نمی توان به تصویر کشید. تنها باید درک کرد و دید؛ چنان که خداوند - تبارک و تعالی - در قرآن کریم درباره نعمت های بهشتی می فرماید:

﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾<sup>۱</sup>

هیچ کس نمی داند (و در محیط فکرش نمی گنجد) که به پاداش نیکوکاری اش چه نعمت ها و لذت های بی نهایتی که روشنی بخش (دل و دیده است برای او ذخیره شده است.



بشر تا به امروز نمونه چنین جامعه‌ای را تجربه نکرده است. در میان پیامبران تنها حضرت سلیمان، حضرت داود و حضرت یوسف علی نبینا و آله وعلیهم السّلام از حکومت و سلطنت برخوردار بوده‌اند. آن‌هم در قسمتی از زمین، نه در همه آن. و از میان اهل بیت علیهم‌السلام نیز تنها خاتم الانبیاء صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و وجود مقدّس حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام حکومت ظاهری را برای مدّتی بسیار کوتاه در دست داشتند که البته آن‌هم حاکمیتی مظلومانه توأم با تقیّه و مدارا با دوستان و دشمنان بود و ابدأ فرصت ظهور و بروز امر خداوند در زمین فراهم نگردید.

هر چه درباره دنیای پس از ظهور گفته و یا نوشته شود، تنها قطره‌ای از دریا و شعاعی از خورشید توصیف شده است. از افق عصر غیبت - که تاریکی آن را فرا گرفته است - نمی‌توان عصر درخشان و نورانی ظهور را تماشا کرد.

در عصر پرشکوه ظهور امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌چنان‌سعادت‌ی‌برای‌ساکنان‌آسمان‌ها‌و‌زمین‌حاصل‌می‌شود‌که‌نه‌چشمی‌آن‌را‌دیده‌و‌نه‌گوشی‌آن‌را‌شنیده‌و‌نه‌پرندۀ‌خیال‌کسی‌بدان‌پرکشیده‌است. جنینی که در تنگنای رحم مادر گرفتار است هیچ‌گاه نمی‌تواند عظمت دنیای خارج از رحم را تصوّر نماید.

فردی را در نظر بگیرید که از ابتدای تولّد در زندانی تنگ و تاریک نگهداری شده است. از آن زمان که چشم گشوده و خود را شناخته، چیزی جز تاریکی، شکنجه، سختی، تشنگی و گرسنگی تجربه نکرده است، و به هر طرف نگاه کرده غیر از این امور چیزی ندیده است؛ اگر برای چنین

شخصی از آب و هوا، کوه و جنگل، تنوع نعمت‌ها، وسعت و عظمت دنیای بیرون سخن بگویید، هرگز نمی‌توانید تصویری واقعی برای وی ایجاد کنید. تنها یک راه وجود دارد: درب زندان را باز نموده و او را به خارج از زندان هدایت کنید. ما نیز دقیقاً در چنین شرایطی زندگی می‌کنیم. امروز بشر «انسان» را به جای خدا، «فلاسفه و متفکران» را به جای «انبیا»، «قوانین ساخته و پرداخته ذهن ناقص خود» را به جای «قوانین الهی» و «کتاب‌های آسمانی» نشانده و «اصالت تجربه» را جایگزین «ایمان به غیب»، «اسراف در مصرف» را جایگزین «زهد»، «لذت‌جویی و حال‌اندیشی» را جایگزین «حشر و نشر و سؤال و جواب قیامت» نموده و کماکان به این زندگی مُردابی ادامه می‌دهد. تصوّر دنیایی آکنده از نور و دانایی، علم و آگاهی، قدرت و توانایی، عدالت و زیبایی و عاری از هر گونه ظلم و نابرابری، فقر و بیماری، جهل و نادانی، جنگ و خونریزی برای انسانِ امروز به افسانه بیشتر شبیه است و چه بسا منکر همچون دنیای زیبایی است و تصوّر می‌کند که او به همین صورت آفریده شده است؛ ولی با این همه:

**آب دریا را اگر نتوان کشید      هم به قدر تشنگی باید چشید**

در روایات رسیده از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام نیز به این حقیقت اشاره شده است: راوی می‌گوید:

قلت لأبي جعفر عليه السلام: إنما نصف (صاحب) هذا الأمر بالصفة التي ليس بها أحد من الناس.  
فقال: لا والله لا يكون ذلك أبداً حتى يكون هو الذي يحتاج عليكم بذلك و يدعوكم إليه.

بیان: قوله «بالصفة التي ليس بها أحد» أي نصف دولة القائم وخروجه على وجه لا يشبه شيئاً من الدول، فقال عليه السلام: لا يمكنكم معرفته كما هي حتى تروه ...

به امام باقر عليه السلام عرض کردم: ما (صاحب) حکومت الهی را به طوری توصیف می‌کنیم که هیچ یک از مردم دارای آن صفت نیستند.

حضرت فرمودند: نه به خدا سوگند؛ این گونه که شما می‌گویید نیست، تا آن که او خود به آن احتجاج نموده و شما را به سوی آن فراخواند.

مرحوم علامه مجلسی در توضیح این روایت می‌گوید: ما حکومت حضرت مهدی صلوات الله علیه و قیام او را به گونه‌ای توصیف می‌کنیم که هیچ یک از دولت‌ها شبیه آن نیست.

امام عليه السلام فرمودند: شناخت آن روزگار، آن گونه که خواهد بود، برای شما ممکن نیست تا این که آن دوران را ببینید.<sup>۱</sup>

عالم آل محمد عليه السلام حضرت موسی بن جعفر عليه السلام در پاسخ به برادر ارجمندش جناب علی بن جعفر درباره امام عصر ارواحنا فداه و ایام نورانی ظهور مبارکش می‌فرماید:

... عقولکم تضعف عن هذا، وأحلامکم تضيق عن حملة، ولكن أن تعيشوا فسوف تدرکونه.<sup>۲</sup>

... عقل‌های شما از درک آن ناتوان و استعداد‌های شما از دریافت آن عاجز است. اگر خداوند عمری دهد (و زنده بمانید) آن روز را درک خواهید نمود.

۱. دولت کریمه امام زمان عجل الله تعالی فرجه: ۲۴ به نقل از بحار الأنوار: ۳۶۶/۵۲.

۲. کمال الدین: ۲/۳۶۰.

یعنی تنها و منحصرأ با دیدن و درک ظهور نورانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه می توان به عظمت آن روزگار پی برد و زیبایی های آن را مشاهده نمود.<sup>۱</sup> بر آن امیدیم که خداوند متان بر ما بیچارگان نیز با هرچه زودتر فرارسیدن عصر ظهور منت نهاده و توفیق درک آن را مرحمت فرماید.

۲ - در دوران ظهور بسیاری از نوامیس خلقت و قوانین طبیعت توسط حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه - که جانشین و نماینده خالق هستی می باشند - آشکار می شود و بسیاری از اموری که امروزه بشر آنها را خارق العاده می پندارد به سادگی و سهولت قابل انجام خواهد بود. البته به بسیاری از وقایع و حوادث پس از ظهور - که در این کتاب نیز به برخی از آنها اشاره کرده ایم؛ همچون طولانی شدن عمرها، تکامل عقل ها، سیر و سفر در آسمان ها، رام شدن درندگان، بی نیاز شدن مردم از نور خورشید و... - می توان از دریچه اعجاز نیز نگریست.

به عبارت دیگر تغییر و تحولاتی که با ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه در ملک و ملکوت به وقوع می پیوندد با عنایت به قدرت امامت و مقام ولایت تکوینی ائمه عجل الله تعالی فرجه بهتر قابل درک و توجیه خواهد بود. در واقع می توان گفت: ظهور به یک معنا تجلی ولایت ولی الله بر زمین و زمان است و با ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه مقام و منزلت صاحبان مقام ولایت بر اهل عالم آشکار خواهد شد.

در توضیح این مطلب می گوئیم: اهل بیت عصمت و طهارت عجل الله تعالی فرجه دارای دو

---

۱. برای درک ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه راهکارها و اعمالی است که انسان با انجام آنها می تواند خود را جزو سعادتمندان عصر زیبایی ها قرار داده و ظهور آن بزرگوار را درک نماید؛ برای این منظور به کتاب «حضور در دولت کریمه امام زمان عجل الله تعالی فرجه» مراجعه نمایید.



منصب می‌باشند: ۱- ولایت تشریحی (زعامت امر تشریح) ۲- ولایت تکوینی.

ولایت تشریحی به معنای اعطای حق انحصاری قانون‌گذاری و ریاست بر خلق از جانب خدای متعال می‌باشد که شامل بیان حق و باطل (در اصول و فروع دین)، حلال و حرام، تفسیر و تأویل قرآن، امر و نهی، موعظه و خطابه، قضاوت، اجرای حدود و قصاص و سایر مقامات تشریحی همچون اقامه جمعه و جماعات، اخذ خمس و زکات و... می‌باشد.

این مقام اولیای خداوند در صورتی که مجال تحقق بیابد برای همگان قابل رؤیت و مشاهده است. از طرفی قابل غصب بوده و دیگران نیز می‌توانند در ظاهر متولی و مدعی آن شوند.

به عبارت دیگر تحقق این نوع ولایت مشروط بر آن است که مانعی وجود نداشته و دست امام علیه السلام برای تصرف در امور جامعه و مردم باز باشد. حال اگر مردمی به هر دلیل نخواهند ولایت اولیای خداوند را بپذیرند و گروهی نیز پیدا شوند که این منصب الهی را غصب نمایند، از آن جایی که ائمه علیهم السلام (به جز حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور) موظف نیستند با قدرت باطنی خود بر مردم مسلط شوند صبر و تحمل پیشه نموده و خانه‌نشین و یا پرده‌نشین خواهند شد.

چشم‌پوشی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از حق مسلم خویش پس از رحلت پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله در همین چارچوب قابل اثبات و توجیه است و بنا بر روایات یکی از دلایل غیبت امام عصر ارواحنا فداه نیز همین است.

و اما ولایت تکوینی به معنای نفوذ اراده و قدرت تصرف در امور و شئون

عالم هستی و نیز فرمانروایی بر همه آفریدگان است که از جانب خداوند به حجت‌های الهی اعطا می‌شود.

به عبارت دیگر همان‌گونه که خداوند قادر و حکیم، قدرت انجام برخی امور اختیاری و انتخابی را به ما عطا کرده است، همین اختیار و توانایی را در سطحی بسیار عالی‌تر به بندگان خاص و حجت‌های برگزیده خویش عطا نموده است.

این منصب برای دیگران قابل رؤیت و مشاهده نیست مگر این‌که اولیای الهی هر از چند گاهی بنا به مصلحت و یا ضرورت، گوشه‌ای از این قدرت و عظمت خویش را به نمایش بگذارند.

پرواضح است که این مقام امام علیه السلام قابل غصب شدن نیست و ائمه علیهم السلام در هر حال عهده‌دار این منصب خواهند بود و پذیرش مردم یا عدم قبول آنان در اعمال این ولایت هیچ تأثیری نخواهد داشت.

قرآن کریم با بیان معجزات انبیاء و تصرّفات اولیاء، ولایت تکوینی را مورد اشاره قرار داده است. به عنوان مثال در قرآن کریم آمده است که «أصف بن برخیا» - وصی حضرت سلیمان علیه السلام - در زمان و مکان تصرّف نمود و تخت بلقیس - ملکه سبا - را در کمتر از چشم بر هم زدنی از مملکت سبا به نزد حضرت سلیمان علیه السلام آورد؛ در حالی که میان آن دو، پانصد فرسخ فاصله بود. گفتار آصف بن برخیا خطاب به حضرت سلیمان علیه السلام نیز جالب و دربردارنده نکته‌ای اساسی در خصوص ولایت تکوینی است.

ایشان به حضرت سلیمان علیه السلام عرضه می‌دارد:

«أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ»<sup>۱</sup>.

پیش از آن که چشمت به روی هم بیاید آن را نزد تو خواهم آورد.

«أنا آتیک به» یعنی «من آن را می آورم»، ردی بر عقیده و پندار و هابیان و پیروان جاهل آنهاست. از این آیه شریفه می فهمیم که وقتی خداوند به انبیا و اولیای خویش قدرت و ولایت عطا فرمود، بر آنان واجب نیست در هنگام اظهار و اعمال آن قدرت بگویند: «ما این کار را به اذن پروردگار انجام می دهیم»؛ همان طور که بر ما واجب نیست هنگام توسل به اولیای خداوند به آنان عرض کنیم که حاجت ما را به اذن خداوند عطا نمایند<sup>۲</sup>.

در روایت است که:

نزد آصف بن برخیا یک حرف از اسم اعظم بود که با آن، زمین را شکافت و در کمتر از آنی تخت بلقیس را حاضر ساخت.

نزد حضرت آدم عليه السلام ۲۵ حرف، نزد حضرت نوح عليه السلام ۲۵ حرف (و به روایتی ۱۵ حرف)، نزد حضرت ابراهیم عليه السلام هشت حرف، نزد حضرت موسی عليه السلام چهار حرف و نزد حضرت عیسی عليه السلام دو حرف از اسم اعظم بود که با آن دو حرف مردگان را زنده می کرد؛ کور مادرزاد را شفا می بخشید؛ در پرندگی می دمید، به پرندگی واقعی تبدیل می شد و در آسمان به پرواز درمی آمد.

و اما نزد اهل بیت عليهم السلام - و الان نزد حضرت بقیة الله عليه السلام - تمام اسم اعظم موجود است.<sup>۳</sup>

۱. سوره نمل، آیه ۴۰.

۲. رک: قطره ای از فضائل دریای اهل بیت عليهم السلام (ترجمه کتاب شریف القطرة): ۱/۱۶ مقدمه.

۳. بحار الأنوار: ۴/۲۱۰ و ج ۱۱/۲۱۸ از بصائر الدرجات و ج ۱۳/۳۵۸ از کافی، به نقل از ابواب رحمت (مرحوم نمازی شاهرودی). (در برخی روایات نیز فرموده اند از هفتاد و سه حرف اسم اعظم، ۷۲ حرف نزد اهل بیت عليهم السلام و یک حرف آن نزد خداوند باقی است.)

در پرتو ولایت تکوینی است که ماه به یک اشاره پیامبر اکرم ﷺ به دو نیم می شود (جریان شق القمر)، و آن حضرت در کمتر از چشم برهم زدنی از خانه خویش در مکه مکرمه به معراج می روند.

و در موارد متعدد، خورشید به اشاره حضرت امیرالمؤمنین ﷺ برمی گردد (جریان رد الشمس).

و کعبه با یک اشاره امام حسن ﷺ به آسمان می رود و در هوا معلق می شود، و نفرین آن حضرت مردی را که در مجلس معاویه به ایشان جسارت کرده بود در یک لحظه مبدل به زن می سازد.

و حضرت اباعبدالله الحسین ﷺ از ستون مسجد پیامبر ﷺ برای فرزند دلبند خویش حضرت علی اکبر ﷺ موز و انگور در غیر فصل آن بیرون می کشد.

و حجر الأسود و ماهی جناب یونس با امام سجّاد ﷺ سخن می گویند. و امام باقر ﷺ مرده را زنده کرده و ملکوت زمین را به جابر نشان می دهند، و چشمان ابابصیر را - که کور مادرزاد بود - بینا می گردانند.

به اعجاز و قدرت ولایت تکوینی است که آتش تنور، هارون مکی - از اصحاب امام صادق ﷺ - را نمی سوزاند و هسته خرمایی که آن حضرت در زمین می کارند و از آب دهان مبارک خویش به پای آن می ریزند، همان لحظه سبز می شود، رشد می کند و خرما می دهد.

و حضرت موسی بن جعفر ﷺ با مردی از اهالی چین با زبان و لهجه چینی سخن می گوید و تصویر شیر که بر روی پرده نقش بسته است با یک اشاره حضرتش به شیر واقعی تبدیل شده و آن شعبده باز گستاخ را - که به ساحت



قدس آن حضرت جسارت کرده بود... پاره پاره می کند.  
و آهوی بیابان با امام رضا علیه السلام سخن گفته و از آن حضرت می خواهد که  
ضامن او شود.

و حضرت جواد الأئمه علیه السلام از میان خاک زیر سجاده، شمش طلا برداشته و  
به سائل عطا می کنند.

و امام هادی علیه السلام سنگ ریزه‌ای را که با آب دهان مبارک خویش مرطوب  
کرده‌اند به ابوهاشم جعفری می دهند که وقتی در دهان می گذارد به ۷۲ زبان  
زنده دنیا سخن می گوید.

و وقتی از امام حسن عسکری علیه السلام درخواست معجزه می شود، آن حضرت  
در مصلائی خویش پایین می روند و پس از مدتی در حالی که ماهی بزرگی در  
دست دارند بر می گردند و می فرمایند: این ماهی را از دریای هفتم آورده‌ام.  
و وقتی از طرف خلیفه عبّاسی برای دستگیری امام عصر ارواحنا فداه در خانه  
آن حضرت وارد سرداب مقدّس می شوند، آن حضرت را در سجاده‌ای که در  
روی دریایی از آب مشغول نماز است مشاهده می کنند، و زمانی که حضرت  
از جلو دیدگان آنان بیرون می رود، آن وجود نازنین را می بینند ولی قدرت  
حرکت پیدا نمی کنند.

این‌ها قطره‌ای از دریای معجزات و اعمال ولایت تکوینی حضرات  
معصومین علیهم السلام است که به خاطر طولانی شدن بحث از نقل تفصیلی آن  
صرف نظر می کنیم.<sup>۱</sup>

۱. موارد بسیاری از این قبیل معجزات در کتاب شریف «بحار الأنوار» مرحوم علامه مجلسی، و نیز در «مدینه  
المتابیز» مرحوم بحرانی و... نقل شده است. همچنین کتاب شریف «القطره» دربردارنده بسیاری از این مناقب  
و فضایل اهل بیت علیهم السلام می باشد؛ علاقه‌مندان برای مطالعه بیشتر و نورانی شدن قلب‌ها، می توانند به این منابع  
مراجعه کنند.

لازم به تذکر است که ظهور امام عصر علیه السلام تنها به معنای ظاهر شدن امام علیه السلام و بازگشت شخص ایشان به میان مردم نیست؛ بلکه آغاز یک مرحله نوین در حیات زمین و آسمان و فصلی جدید در تاریخ بشر است که با اعمال قدرت و ولایت حضرت ولی الله الأعظم ارواحنا فداه آغاز خواهد شد و مردم جهان آثار تصرفات آن حضرت در عالم تکوین (آفرینش) را در قالب تحولات عجیب و زیبا شاهد خواهند بود و این نکته، کلید فهم تحولاتی است که پس از ظهور امام زمان علیه السلام در سطح جهان به وقوع خواهد پیوست انشاء الله.

۳ - یکی از ظلم‌های تاریخی که به ساحت مقدس امام عصر عجل الله تعالی فرجه روا داشته شده و متأسفانه توسط برخی معتقدان به آن حضرت نیز افراط گونه به آن دامن زده شده است، بحث شمشیر امام زمان علیه السلام و گردن زدن‌ها و کشتارها و جوی‌های خونی است که پس از ظهور به راه می‌افتد و...!! بی تردید آن حضرت با شمشیر قیام خواهند فرمود و از جمله القاب ایشان «قائم بالسیف» می‌باشد و پس از ظهور و اتمام حجّت و اقامه برهان در برخورد با سرکشان و آنان که نخواهند به هیچ وجه زیر بار حق بروند شدت عمل به خرج داده، ظالمان را بر سر جای خویش نشانده و متجاوزان به حقوق خدا و خلق را که نصیحت و پند و اندرز در دل‌های سنگ آنان اثر ندارد از میان خواهند برد؛ اما دلیلی ندارد مردم عادی و دوستان آن حضرت را از ظهور بترسانیم و یا عده‌ای بگویند: اگر آقا بیاید گردن ما را خواهد زد!

و با تأسف فراوان، باید اعتراف کنیم این تبلیغات سوء، اثرات مخرب خود را در اذهان عموم برجای نهاده و منجر به خدشه‌دار شدن چهره‌مهربان‌ترین امیر عالم هستی، و القای ترس و وحشت از ظهور آن یگانه‌دوران، و دور

شدن مردم از آن مظهر رحمت و اسعه خداوند گردیده است .  
 بی تردید دفع این شبهه و پاسخ به این اتهام ، وظیفه گویندگان ، نویسندگان و  
 همه ریزه خواران سفره کرامت حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه است و یکی  
 از راه های خنثی کردن این توطئه شیاطین انس و جن ، گفتگو نمودن درباره  
 دوران پرشکوه ظهور امام عصر ارواحنا فداه و زیبایی ها و برکات آن روزگار  
 است ؛ امید آن که این اثر ناچیز ، گامی هرچند کوچک در این مسیر باشد .

۴ - طبق روایات ، دعای مؤمنان و خواست قلبی مردم ، نقش اساسی و تأثیر  
 بسزایی در زودتر فرارسیدن زمان ظهور ایفا می کند ؛ چنان که امام محمد باقر علیه السلام  
 در این باره می فرمایند :

... إن أصبحتم يوماً لاترون منهم أحداً فاستغيثوا بالله عزّ وجلّ...  
 فما أسرع ما يأتيكم الفرج...<sup>۱</sup>

هرگاه روزی صبح نموده و دیدید که امامی از آل محمد علیهم السلام غایب گشته و  
 او را مشاهده نمی کنید ، پس به درگاه خداوند عزوجل استغاثه نمایید (و  
 فرج و ظهور او را از پروردگار بخواهید)... پس چه قدر فرج و گشایش به  
 سرعت به شما روی می آورد .

چشم انتظاری برای فرارسیدن ظهور امام زمان علیه السلام نیز افضل عبادات  
 شمرده شده است .

پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله در این باره می فرمایند :

سلوا الله من فضله؛ فإن الله يحب أن يسأل، وأفضل العباداة

## انتظار فرج<sup>۱</sup>

از فضل خدا بخواهید؛ زیرا خداوند دوست دارد که مورد طلب و درخواست قرار بگیرد، و بالاترین عبادت انتظار فرج است.

و حضرت بقیة الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه خطاب به شیعیان خود چنین فرموده‌اند:

## وأكثرُوا الدَّعاء بتعجيل الفرَج؛ فَإِنَّ ذلك فرَجکم<sup>۲</sup>

برای زودتر فرارسیدن زمان ظهور، بسیار زیاد دعا کنید؛ زیرا که آن دوران، سبب نجات شما (و تنها راه رفع همه مشکلات) می‌باشد.

دعا برای فرج و ظهور، نشان‌دهنده آن است که انسان، گمشده‌ای دارد و در جستجوی آن است؛ مسافری دارد و هر لحظه منتظر رسیدن اوست؛ محبوبی دارد که از دیدگان غایب شده و حسرت وصالش بر دل مانده است.

یک شیعه منتظر با شناختی که از حکمت‌های غیبت امام زمان علیه السلام دارد تا آن‌جا که می‌تواند با شناساندن آن حضرت به دیگران و پراکندن بذر محبت آن بزرگوار در قلب مردم و سخن گفتن از زیبایی‌های عصر ظهور و... می‌کوشد تا عواملی را که باعث طولانی شدن زمان غیبت آن نازنین شده است از میان بردارد، و از سوی دیگر چون می‌داند یکی از علل غیبت، عدم آمادگی و درخواست مردم و نیز آماده نبودن شرایط برای حکومت جهانی آن بزرگوار است به رحمت الهی امیدوار می‌ماند و برای زودتر فرارسیدن فرج و رفع موانع ظهور، دست دعا به سوی آسمان بلند می‌کند.

۱. نهج الفصاحة: ۳۷۰ ح ۱۷۴۰.

۲. کمال الدین: ۴۸۵/۲، بحار الأنوار: ۹۲/۵۲.



## عدالتِ فراگیر

اگرچه با شنیدن کلمه «عدالت» بلافاصله آه مظلومان، ناله ستم دیدگان و اشک یتیمان را مجسم می‌کنیم و به یاد قتل و غارت‌ها و یا ظلم‌ها و ستم‌هایی می‌افتیم که از ناحیه ستمگران بر مظلومان عالم روا داشته شده است؛ اما باید دانست در دوران غیبت بزرگترین ظلم‌ها به خلیفه خدا، دین خدا، کتاب خدا و معارف و احکام شریعت وارد می‌آید.

از ویژگی‌های زمان ظهور اعتلای توحید، احیای سنت و قرآن، اشاعه و نشر دین و اجرای احکام و حدود الهی به دست باکفایت منجی عالم بشریت می‌باشد. در آن دوران باشکوه از همه مآذنه‌ها و در همه جای عالم به وحدانیت پروردگار یکتا، رسالت خاتم الانبیا ﷺ و ولایت امیر مؤمنان ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام شهادت داده خواهد شد و از این روست که باید گفت: برقراری عدالت از شعبه‌های دین الهی و احکام اسلام حقیقی (یعنی همان مذهب حقه اثنی عشری) است و در درجه اول بدین معناست که هر جا آثار ظلم نمایان باشد به دست امام عصر علیه‌السلام از میان می‌رود و بزرگترین ظلم، شرک به خداوند و اولیای اوست که خداوند - تبارک و تعالی - در قرآن می‌فرماید:

«إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»<sup>۱</sup>

همانا شرک ، ظلمی بزرگ است.

برپایی عدالت ، بزرگ‌ترین رسالت جهانی امام عصر علیه السلام است . این تعبیر در صد و چهل و هشت روایت از پیشوایان معصوم علیهم السلام آمده است :

يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا؛ كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجوراً.<sup>۲</sup>

(حضرت مهدی علیه السلام) زمین را از عدل و داد پر می‌کند ، آن‌چنان‌که از ظلم و ستم پر شده است .

مؤلف کتاب شریف «مکیال المکارم» - در این زمینه - می‌گوید : «عدل ، آشکارترین صفات نیک امام زمان عجل الله تعالی فرجه است و برای همین در دعای شب‌های ماه مبارک رمضان ، «عدل» نامیده شده است :

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَ«الْعَدْلِ» الْمُنْتَظَرِ .

خداوندا ، به ولی امر خود که قیام‌کننده آرمانی و «عدل» مورد انتظار همه است درود فرست .

و در حدیثی که در کتاب «کمال الدین» از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده ، در توصیف آن حضرت چنین آمده است :

أَوَّلُ الْعَدْلِ وَآخِرُهُ .

(امام موعود) آغاز و پایان عدل است .

منظور ، کمال دادگری آن حضرت است و کمتر حدیثی درباره آن امام علیه السلام

۱. سوره لقمان، آیه ۱۳.

۲. فهرست این احادیث در کتاب «منتخب الأثر: ۲/۲۲۲-۲۳۵» آمده است .

رسیده است که از ذکر «عدل» خالی باشد.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام در توصیف عدالت مهدوی می فرمایند:

... أما والله ليدخلن القائم عليه السلام عليهم عدله جوف بيوتهم؛ كما  
يدخل الحرّ والقرّ.<sup>۲</sup>

به خدا سوگند؛ (حضرت) مهدی علیه السلام قطعاً عدالت را همان طور که سرما و  
گرما وارد خانه می شود، وارد خانه های مردمان می کند (و دادگری او همه  
جا را فرا می گیرد).

ظرافت و دقتی که آن حضرت در اقامه عدل و اجرای عدالت به خرج  
خواهند داد، از این روایت ظاهر می شود:

أول ما يظهر القائم من العدل أن ينادي مناديه أن يسلم صاحب  
الناقلة لصاحب الفريضة، الحجر الأسود والطواف.<sup>۳</sup>

اولین اقدام (حضرت) قائم علیه السلام در برقراری عدالت آن است که سخنگوی  
ایشان در مکه فریاد می زنند: هر کس نماز واجب خویش را در کنار حجر  
الأسود و محل طواف خوانده است و اکنون می خواهد نماز نافله  
(مستحبی) بخواند به کناری رود تا آن کس که می خواهد نماز فريضة  
(واجب) بخواند، (بیاید و) بخواند.

در حکومت جهانی امام عصر ارواحنا فداه نه به کسی ظلم می شود و نه احدی  
اجازه ظلم به دیگران را دارد. نمونه ای از این عدالت فراگیر را در حکومت  
حضرت سلیمان علیه السلام می توان دید.

۱. مکیال المکارم: ۱/۱۱۸.

۲. بحار الأنوار: ۳۶۲/۵۲، غیبت نعمانی: ۲۹۷.

۳. اصول کافی: ۴/۴۲۷.

در کتاب شریف «کافی» نقل شده:

پیرزنی به خدمت حضرت سلیمان بن داود علیه السلام آمد و علیه باد (شکایت کرد و) از ایشان کمک خواست و گفت: ای پیامبر خدا؛ من روی بام خانه‌ام ایستاده بودم و باد مرا از پشت بام انداخت و دستم شکست، مرا علیه باد یاری فرما.

حضرت سلیمان علیه السلام باد را فراخواند و به او فرمود: چرا با این پیرزن چنین کردی؟

باد نیز پاسخ داد: راست گفתי ای پیامبر خدا؛ همانا خدای عزوجل مرا به سوی کشتی فلان طایفه - که در حال غرق شدن بود - فرستاد تا آن را از غرق شدن نجات دهم. من نیز با سرعت و در همان جهتی که خدای -تبارک و تعالی- فرمان داده بود حرکت کردم که به این زن برخورد نمودم در حالی که بر پشت بام خانه‌اش ایستاده بود. او را لغزانیدم؛ ولی چنین قصدی نداشتم. او نیز افتاد و دستش شکست.

حضرت سلیمان علیه السلام به درگاه خداوند عرض کرد: پروردگارا؛ در مورد باد چه حکمی نمایم؟

خداوند -تبارک و تعالی- به او وحی فرمود: ای سلیمان؛ این‌گونه حکم کن که دیه شکستن دست این زن بر عهده صاحبان همان کشتی است که باد آن را از غرق شدن نجات داد؛ زیرا نزد من به هیچ کس از جهانیان ستم نخواهد شد.<sup>۱</sup>

این، نمونه‌ای از عدالت فردی در حکومت جناب سلیمان بود که بیان شد و لکن تفاوتی که بین حکومت امام عصر ارواحنا فداه و عدالت جهانی و فراگیر آن حضرت با حکومت جناب سلیمان علیه السلام می‌باشد این است که در دولت کریمه و حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه به هیچ عنوان احدی مورد ظلم و

۱. فروع کافی: کتاب الدیات، باب النوادر ح ۱.

ستم قرار نمی‌گیرد و حقّ کسی ضایع نمی‌شود تا نوبت به احقاق حق برسد؛ به حدّی که باد نیز در آن عصر سرشار از عدالت، حقّ لغزاندن کسی را - گرچه بدون قصد - ندارد.

## رام شدن درندگان

با ظهور حضرت صاحب الأمر صلوات الله علیه و همزمان با تحولات شگرف و خیره کننده در سایر عرصه ها، دنیای حیوانات نیز از تغییر و تحوّل و عدالت و امنیت بی بهره نخواهند ماند؛ به گونه ای که موجودات موذی و حیوانات وحشی از درنده خوئی دست کشیده و رنگ عصر ظهور به خود می گیرند و نه تنها به انسان ها گزندی نمی رسانند که در بین خود نیز با آرامش و امنیت و صفا و صمیمیت زندگی خواهند کرد.

رسول گرامی اسلام ﷺ در توصیف زیبایی های عصر ظهور چنین می فرمایند:

وَتُنزَعُ حُمْرَةُ كُلِّ دَابَّةٍ حَتَّى يَدْخُلَ الْوَلِيدُ يَدَهُ فِي فَمِ الْحَشَشِ  
فَلَا يَضْرَهُ، وَتَلْقَى الْوَلِيدَةُ الْأَسَدَ فَلَا يَضْرَهُا، وَيَكُونُ فِي الْإِبِلِ كَأَنَّهُ  
كَلْبُهَا، وَيَكُونُ الذِّئْبُ فِي الْغَنَمِ كَأَنَّهُ كَلْبُهَا.

وتملاً الأرض من الإسلام، ويُسلب الكفار ملكهم، ولا يكون  
الملك إلا لله وللإسلام، وتكون الأرض كفاثور الفضة تنبت نباتها  
كما كانت على عهد آدم.



يَجْتَمِعُ النَّفَرُ عَلَى الْقِثَاءِ فَتَشْبِعُهُمْ، وَيَجْتَمِعُ النَّفَرُ عَلَى الرُّمَانَةِ  
فَتَشْبِعُهُمْ وَيَكُونُ الْفَرَسُ بِدُرِّيْهِمَا ت.

... گزند هر جنبنده‌ای گرفته می‌شود؛ به طوری که طفل کوچک دست خود را در دهان افعی می‌نماید و به او ضرر نمی‌رساند. و بچهٔ خردسال با شیر روبرو می‌شود و به او آسیبی نمی‌رساند. و شیر در میان شتران است که گویا سگ آنها می‌باشد و گرگ در میان گوسفندان است که گویا سگ آنهاست. و اسلام تمام زمین را فرا می‌گیرد و ملک کفار از آنان گرفته می‌شود و حکومتی جز برای خدا و اسلام نیست و زمین همچون خوانی از نقره است، گیاهش را می‌رویاند همان گونه که در عصر آدم می‌روید.

چند نفر در خوردن یک خیار جمع می‌شوند و همهٔ آنان را سیر می‌کند و چند نفر در خوردن یک انار جمع می‌گردند و همهٔ آنان را سیر می‌کند. و قیمت یک اسب به چند درهم اندک می‌باشد.<sup>۱</sup>

بر اساس روایات، در دستگاه گوارش حیوانات درنده، تحولاتی ایجاد می‌شود که از گوشتخواری روی گردان شده به گیاهخواری روی می‌آورند. به عبارتی خوی درندگی و خونریزی از درندگان گرفته می‌شود و آنها با خوردن گیاهان احتیاجات غذایی خود را برطرف می‌سازند.<sup>۲</sup>

حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرمایند:

تَصْطَلِحُ فِي مَلِكَةِ السَّبَاعِ.<sup>۳</sup>

(در حکومت حضرت مهدی علیه السلام) درندگان با یکدیگر در صلح و آرامش

۱. دولت کریمهٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه: ۴۳ به نقل از التشریف بالمنن: ۲۹۹.

۲. دولت کریمهٔ امام زمان عجل الله تعالی فرجه: ۴۶.

۳. بحار الأنوار: ۲۸۰/۵۲.

خواهند بود .

و حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند :

### إِصْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَالْبَهَائِمُ.<sup>۱</sup>

درندگان و چهارپایان در صلح و آرامش خواهند بود .

جالب است بدانید به این حقیقت ، در کتاب های آسمانی گذشته نیز اشاره شده است . از جمله در تورات چنین آمده :

... مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد کرد... گریه با بره سکونت خواهد کرد و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم و طفل کوچک آنها را خواهد راند و در تمامی کوه مقدس من ضرر و فسادى نخواهند کرد؛ زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد...<sup>۲</sup>

---

۱. بحار الأنوار: ۳۱۶/۵۲.

۲. تورات ، اشعیاى نبى ، فصل ۱۱ ، به نقل از بشارات عهدین . (اگر چه همه کتاب های آسمانی به جز قرآن کریم دستخوش تحریف شده اند ؛ اما هنوز هم در لابلای آنها ، جملات و فرازهایی وجود دارد که به صراحت از منجی آخرالزمان سخن گفته اند . استنادات ما در این کتاب به منابع مذکور با عنایت بدین حقیقت صورت گرفته است .)

## قضاوت و دادرسی

منصب قضاوت از آن جا که با حقوق مردم و جان و مال و ناموس و آبروی انسان‌ها ارتباط مستقیم دارد، از جایگاهی بسیار ویژه و حسّاس در تعالیم اهل بیت علیهم‌السلام برخوردار است تا آن جا که امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند:

إِيَّاكَ وَالْقَضَاءَ، فَاجْتَنِبْهُ؛ فَإِنَّ الْقَضَاءَ أَشَدَّ الْمَنَازِلِ مِنَ الدِّينِ،  
وَلَا يَفِي بِهِ إِلَّا نَبِيٌّ أَوْ وَصِيٌّ نَبِيٍّ.<sup>۱</sup>

از دادرسی و قضاوت بترس و از آن دوری گزین؛ چرا که دادرسی سخت‌ترین جایگاه دین است و جز پیامبر یا جانشین پیامبر کسی نمی‌تواند درست و کامل دادرسی کند.

و ابابصیر از حضرت امام محمد باقر علیه‌السلام نقل کرده است که امیر مؤمنان علی علیه‌السلام فرمودند:

من قضی فی درهمین بغير ما أنزل الله فقد كفر.<sup>۲</sup>

هر کس درباره دو درهم، برخلاف آنچه خداوند فرستاده حکم دهد، کافر شده است.

۱. جامع احادیث الشیعة: باب القضاء، باب ۱، ح ۲، به نقل از المقنع: ۱۳۲.

۲. تفسیر العیاشی: ۳۲۳/۱ به نقل از جامع احادیث الشیعة.

و پیامبر اکرم ﷺ فرمودند :

يُوتى بالقاضي العدل يوم القيامة ، فمن شدّة ما يلقاه من الحساب  
يوذّ أنّه لم يكن قضي بين إثنين في تمرة.<sup>۱</sup>

قاضي عادل را روز قیامت می آورند و از سختی حسابی که می بیند آرزو  
می کند که ای کاش ؛ میان دو نفر در مورد یک خرما قضاوت نکرده بود !

عدالت مطلق پس از ظهور ایجاب می کند که حقوق انسان ها پایمال نشود ،  
هیچ کس از استیفای حقّ خود ناامید و ناتوان نباشد و این امر به آن دلیل  
صورت می پذیرد که امامی معصوم و عالم به غیب که دانا به همه اسرار عالم  
است و نیز کارگزاران آن حضرت که همگی آراسته به صفات علم ، عدالت و  
تقوا هستند بر مسند قضاوت می نشینند و نیز قوانین و احکام الهی که توسط  
پروردگار عادل و حکیم تشریح شده و توسط جانشین و خلیفه خداوند در  
زمین تعیین می شود ، ملاک و معیار قضاوت و صدور حکم قرار می گیرد .

در روایات زیادی به این حقیقت اشاره شده است که حضرت مهدی عجل الله  
تعالی فرجه پس از ظهور همانند حضرت داود عليه السلام حکم نموده و در قضاوت  
نیازی به شاهد و گواه ندارند ؛ چنان که امام صادق عليه السلام می فرمایند :

لا تذهب الدنيا حتى يخرج رجلٌ مني يحكم بحكومة آل داود ،  
ولا يسأل بيّنة ، يعطي كلّ نفس حقّها.<sup>۲</sup>

دنیا به پایان نمی رسد تا آن که مردی از خاندان من خروج کند که مانند حکم  
آل داود داور می کند و شاهد نمی خواهد و به هر کس حق او را می دهد .

۱. عوالی اللثالی : ۵۱۶/۳ به نقل از جامع أحادیث الشيعة .

۲. اصول کافی : ۳۹۷/۱ ، بصائر الدرجات : ۲۵۸ به نقل از جامع أحادیث الشيعة .

ابان بن تغلب می گوید: در مسجدی در مکه همراه امام جعفر صادق علیه السلام بودم و آن حضرت در حالی که دست مرا گرفته بودند به من فرمودند:

يا أبان؛ سيأتي الله بثلاثمائة وثلاثة عشر رجلاً في مسجدكم هذا، يعلم أهل مكة أنه لم يخلق آباؤهم ولا أجدادهم بعد، عليهم السيوف مكتوب على كل سيف إسم الرجل وإسم أبيه وحليته ونسبه، ثم يأمر منادياً فينادي: هذا المهدي يقضى بقضاء داود و سليمان، لا يسأل على ذلك بيّنة.<sup>۱</sup>

ای ابان؛ به زودی خداوند سیصد و سیزده مرد را در این مسجدتان می آورد که مردم مکه می دانند پدران و نیای آنان هنوز آفریده نشده اند. همه شمشیر دارند، بر هر شمشیری اسم آن مرد و اسم پدرش و وصف و نسبش نوشته شده است. پس به ندادندهای دستور می دهد که ندا سردهد: این همان مهدی است که مانند حکم داود و سلیمان قضاوت می کند و بر آن قضاوت شاهد نمی طلبد.

و حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در توصیف فرزند عزیزش حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه می فرمایند:

إذا قام، قضی بین الناس بعلمه كقضاء داود لا يسأل بيّنة.<sup>۲</sup>

آن زمان که (امام عصر علیه السلام) قیام کند با علمش میان مردم داوری می کند، مانند قضاوت داود بیّنه نمی خواهد.

آن گونه که از روایات برمی آید (و لازمه عدل مطلق نیز همین است) روش قضاوت کارگزاران آن حضرت نیز بدین شیوه خواهد بود تا در سراسر جهان

۱. الغيبة نعمانی علیه السلام: ۳۱۳.

۲. الدعوات مرحوم راوندی: ۲۰۹.

حقی پایمال نشود و کسی نتواند با ادعای باطل یا سوگند دروغ به دیگری ظلم نماید؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام يَبْعَثُ فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا،  
يَقُولُ: عَهْدُكَ فِي كَفِّكَ؛ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ أَمْرٌ لَا تَفْهَمُهُ، وَلَا تَعْرِفُ  
الْقَضَاءَ فِيهِ، فَانظُرْ إِلَى كَفِّكَ، وَاعْمَلْ بِمَا فِيهَا.<sup>۱</sup>

آن زمان که قائم علیه السلام قیام نماید در هر قسمتی از قسمت‌های زمین مردی را می‌فرستد و می‌فرماید: پیمان تو (آن چه را که وظیفه داری انجام دهی) در کف دست توست. پس هرگاه جریانی برایت واقع شد که آن را نفهمیدی و ندانستی که درباره آن چگونه قضاوت کنی در کف دست نگاه کن و به آنچه در آن وجود دارد قضاوت نما.

و اکنون بنگریم که عدل مجسم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام چگونه حق مظلوم را می‌ستاندند و ظالم را بر جای خویش می‌نشاندند.

ابابصیر می‌گوید: روزی حضرت امیر مؤمنان علیه السلام وارد مسجد کوفه شدند. در این هنگام جوانی به سوی حضرت آمد در حالی که گریه می‌کرد و در اطرافش گروهی بودند که وی را آرام می‌کردند.

امیر مؤمنان علیه السلام دلیل گریه او را جو یا شدند و او نیز پاسخ داد: ای امیر مؤمنان؛ شریح درباره ماجرای برایم قضاوتی نموده که من نمی‌دانم (علت) چنین قضاوتی چیست؟ این افراد به همراه پدرم به مسافرت رفتند. آنان بازگشتند، اما پدرم برنگشت. من از آنان درباره پدرم سؤال کردم. گفتند: او مرده است. پرسیدم: اموال او چه شد؟ گفتند: از خود مالی بر جای نگذاشت.



پس آنان را نزد شریح بردم و شریح نیز آنان را سوگند داد و من می دانم ای امیر مؤمنان که پدرم در حالی به سفر رفت که اموال فراوانی همراهش بود.  
 امیر مؤمنان علیه السلام به آنان فرمودند: برگردید، و آنان نیز همراه جوان نزد شریح بازگشتند.

حضرت به شریح فرمودند: ای شریح؛ چگونه میان این افراد قضاوت کردی؟

عرض کرد: ای امیر مؤمنان؛ این جوان ادعا نمود که این افراد به همراه پدرش به مسافرت رفته اند. آنان برگشتند؛ اما پدر ایشان بازنگشته است. من از این افراد درباره پدر این جوان سؤال کردم. گفتند: مرده است. درباره اموالش پرسیدم. گفتند: اموالی از خود بر جای نگذاشت. به جوان گفتم: آیا برای ادعایت دلیل و شاهدی داری؟ گفت: نه. پس من این افراد را سوگند دادم و آنان قسم یاد کردند که راست می گویند.

حضرت امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: هیئات ای شریح؛ در خصوص چنین قضیه ای این گونه حکم می کنی؟!

شریح گفت: ای امیر مؤمنان؛ پس چگونه حکم کنم؟  
 حضرت فرمودند:

به خدا سوگند؛ درباره آنها حکمی خواهم کرد که هیچ کس جز داود پیامبر علیه السلام پیش از من چنین حکم نکرده است.

ای قنبر؛ شرطه الخمیس (نخستین گروهی که در جنگ حاضر می شدند) را برای من فراخوان.

قنبر آنان را فراخواند. حضرت بر هر یک از آنان یکی از افراد شرطه را به عنوان نگهبان گماردند سپس نگاهی به صورت آن افراد انداختند و فرمودند:

چه می‌گویید؟ آیا می‌گویید من از کاری که با پدر این جوان انجام دادید  
ناآگاهم؟

سپس فرمودند: آنها را از یکدیگر جدا کنید و سرهایشان را بپوشانید.

پس آنان را از یکدیگر جدا کرده و هر کدام را در کنار یکی از ستون‌های  
مسجد نگه داشتند؛ در حالی که سرهای آنان با لباس‌هایشان پوشانده شده  
بود.

حضرت امیر مؤمنان علیه السلام عبدالله بن ابی رافع - کاتب خویش - را فراخوانده و  
فرمودند: کاغذ و دواتی بیاور. آن‌گاه حضرتش در جایگاه قضاوت جلوس  
فرموده و مردم در اطراف ایشان نشستند و به مردم فرمودند: هنگامی که من  
تکبیر گفتم، شما نیز تکبیر بگویید.

سپس به حاضران فرمودند: راه بدهید (تا یکی از آنها را بیاوردند).  
آن‌گاه یکی از آن افراد را فراخواندند و مقابل خویش نشانده، صورتش را  
باز نموده و به عبیدالله بن رافع فرمودند: اعترافات او را بنویس. آن‌گاه از متهم  
پرسیدند: شما در چه روزی از خانه بیرون آمدید که پدر این جوان با شما بود؟  
گفت: در فلان روز.

فرمودند: در چه ماهی؟

گفت: در فلان ماه.

فرمودند: در چه سالی؟

گفت: در فلان سال؟

فرمودند: شما در مسافرت به کدام شهر رسیدید که پدر این جوان از دنیا  
رفت؟

گفت: در فلان منطقه.

فرمودند: در چه خانه‌ای از دنیا رفت؟

گفت: در منزل فلانی پسر فلانی.

فرمودند: بیماری او چه بود؟

گفت: فلان بیماری.

فرمودند: چند روز بیمار بود؟

گفت: فلان مدت.

فرمودند: در چه روزی از دنیا رفت؟ چه کسی او را غسل داد؟ چه کسی او

را کفن کرد؟ با چه چیزی او را کفن نمودید؟ چه کسی بر او نماز خواند؟ و چه

کسی در قبرش وارد شد؟

هنگامی که حضرت امیر مؤمنان علیه السلام هر سئوالی را که می‌خواستند

پرسیدند، تکبیر گفتند و مردم نیز در پی آن حضرت صدایشان به تکبیر بلند

شد. بقیه آن افراد دچار تردید شده و یقین کردند رفیق‌شان علیه آنان و علیه

خودش اعتراف کرده است.

آن حضرت دستور دادند سر شخص اولی را بپوشانند و او را به زندان

ببرند. پس دیگری را فراخواندند و او را در مقابل خود نشانند و صورتش را

باز کردند. آن‌گاه فرمودند: هرگز؛ آیا گمان می‌کنید من نمی‌دانم چه کار

کرده‌اید؟!

گفت: ای امیر مؤمنان؛ من فقط یکی از آنان بودم و به کشتن پدر این جوان

راضی نبودم. سپس اعتراف کرد. بعد آن حضرت همه آن‌ها را یکی یکی

احضار نمودند و همه آن‌ها به قتل و گرفتن اموال پدر آن جوان اعتراف کردند.

آن‌گاه کسی را که حضرت دستور داده بودند به زندان منتقل شود برگردانند و

او نیز اقرار کرد. پس حضرت، اموال و خون مقتول را بر آن‌ها لازم گردانند.

شریح گفت: ای امیر مؤمنان؛ داود پیامبر علیه السلام چگونه حکم نمود؟  
فرمودند:

داود پیامبر از کنار نوجوانانی عبور می نمود که مشغول بازی بودند و یکی را این گونه صدا می زدند: «مات الدین» (دین مرده است). و نوجوانی جواب آنان را می داد. داود علیه السلام آن ها را فراخواند و فرمود: ای نوجوان؛ اسمت چیست؟

گفت: مات الدین.

فرمود: چه کسی این نام را بر تو نهاد؟

گفت: مادرم.

پس داود علیه السلام به نزد مادر پسر رفت و به او فرمود: ای زن؛ اسم این پسر چیست؟

گفت: مات الدین.

فرمود: چه کسی این اسم را بر او نهاد؟

گفت: پدرش.

فرمود: ماجرایش چگونه است؟

گفت: پدر او به مسافرت رفت و عده ای همراهش بودند. این کودک در شکم من بود. پس آن عده برگشتند؛ اما شوهرم برنگشت. من در مورد شوهرم از آنان پرسیدم. گفتند: از دنیا رفت. به آنان گفتم: چه چیزی به جای گذاشت؟ گفتند: چیزی به جای نگذاشت. گفتم: آیا وصیتی به شما نمود؟ گفتند: آری. او گفت که تو بارداری. پس هر فرزندی به دنیا آوردی؛ چه دختر باشد چه پسر، نامش را «مات الدین» بگذار و من او را چنین نام نهادم.

داود علیه السلام فرمود: آیا همسفران شوهرت را می شناسی؟

گفت: آری.

فرمود: آن ها زنده اند یا مرده؟

گفت: بلکه زنده‌اند.

فرمود: ما را پیش آنان ببر. پس حضرت داود علیه السلام با او رفت و آن عده را از خانه‌هایشان بیرون کشید. پس میان آنان به همین روش حکم نمود و اموال و خون مقتول را بر آنان ثابت نمود و به زن فرمود: نام این پسر را «عاش الدین» بگذار.<sup>۱</sup>

در زبور حضرت داود علیه السلام درباره منجی موعود آمده است:  
... قومها را به انصاف داوری خواهد کرد. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد. دریا و پری آن غزش نمایند. صحرا و هرچه در آن است به وجد آید. آن گاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود به حضور خداوند. زیرا که می آید. زیرا که برای داوری جهان می آید. ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد. قومها را به امانت خود.<sup>۲</sup>

---

۱. فروع کافی: کتاب الدیات، باب النوادر، حدیث هشتم.

۲. کتاب مزامیر: مزموں ۹۶ بندهای ۱۰ - ۱۳. (نویدهای حضرت مهدی علیه السلام در زبور بسیار فراوان است و در بیش از ۳۵ بخش از مزامیر ۱۵۰ گانه، نوید ظهور آن حضرت موجود است.)

## پایانِ حزنِ شیعه

از آن زمان که با رحلت خاتم الأنبياء ﷺ، اهل بیت گرامی آن حضرت مورد ظلم و ستم قرار گرفته و میراث آن بزرگواران به تاراج برده شد، شیعیان و دوستان آن خانندان نیز به سرنوشتی مشابه گرفتار آمده؛ مطرود و مغضوب حاکمان و اربابان قدرت واقع شدند.

البته استراتژی شیعه در این قبال به توصیه موالیان خویش صبر، تقیه و انتظار بود. زبان حال شیعه در زمان غیبت امام عصر عجل الله فرجه همان است که از زبان مبارک آن حضرت در دعای افتتاح بیان شده است:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا،  
وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَقَلَّةَ عِدِّدِنَا، وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا، وَتَظَاهِرَ الزَّمَانِ  
عَلَيْنَا...!

بارالها، ما به درگاه تو شکایت می‌کنیم از فقدان پیامبرمان - که درودهای تو بر او و آلش باد - و از غیبت اماممان و بسیاری دشمنان و کمی تعدادمان و فتنه‌های سخت و شدید بر ما و غلبه روزگار بر ما... .

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نامه‌ای را که خطاب به وکیل خویش در قم جناب علی بن بابویه قمی رضی الله عنه - پدر شیخ صدوق رضی الله عنه - مرقوم فرموده‌اند، با این جملات به پایان برده‌اند:

... وعلیک بالصبر وانتظار الفرج؛ فإنّ النبی صلی الله علیه و آله قال: «أفضل أعمال أمتی انتظار الفرج».

ولا یزال شیعتنا فی حزن حتی یظهر ولدی الّذی بشر به النبی صلی الله علیه و آله: «أنّه یملأ الأرض عدلاً وقسطاً؛ كما ملئت ظلماً وجوراً».

فاصبر یا شیخی، وأمر جمیع شیعتی بالصبر؛ فإنّ الأرض لله یورثها من یشاء من عباده وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ<sup>۱</sup>، والسلام علیک وعلی جمیع شیعتنا ورحمة الله وبرکاته، وحسبنا الله ونعم الوکیل، نعم المولی ونعم النصیر.<sup>۲</sup>

... بر تو باد صبر (در مشکلات و گرفتاری‌ها) و انتظار فرج؛ چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «برترین اعمال امت من، انتظار فرج است». و همواره شیعیان مادر غم و اندوه خواهند بود تا آن‌گاه که فرزندم - حضرت مهدی علیه السلام - ظاهر شود؛ همو که پیامبر صلی الله علیه و آله به ظهور او بشارت داده که: «او زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد؛ همان‌طور که از ظلم و جور پر شده است».

پس ای پیرمرد؛ صبر پیشه کن، و تمام شیعیان مرا هم به صبر توصیه کن؛ «همانا زمین از آن خداوند است، (پادشاهی) آن را به هر کس بخواند

۱. سوره اعراف، آیه ۱۲۸.

۲. من لایحضره الفقیه (مقدمه): ۱۴/۱.



می سپارد، و (حُسن) عاقبت مخصوص پرهیزکاران است.»  
و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو و بر همه شیعیان ما باد، و خداوند ما را  
کافی است که او پشتوانه خوب و بهترین سرپرست و یاریگر است.

امام صادق علیه السلام در روایتی فرمودند:

يكون شيعتنا في دولة القائم (عليه السلام) سنام الأرض وحكامها؛ يعطي  
كلّ رجل منهم قوّة أربعين رجلاً.<sup>۱</sup>

شیعیان ما در دولت قائم (علیه السلام) بزرگان و حاکمان زمین خواهند بود؛ به هر  
کدام از مردان شیعه نیرو و قوت چهل مرد داده می شود.

امام محمد باقر علیه السلام نیز فرمودند:

ألقي الرّعب في قلوب شيعتنا من عدونا، فإذا وقع أمرنا وخرج  
مهدّينا كان أحدهم أجرى من الليث، وأمضى من السّنان؛ يطأ  
عدونا بقدميه، ويقتله بكفّيه.<sup>۲</sup>

(در زمان غیبت امام زمان علیه السلام) وحشت از دشمنان ما در قلب های  
شیعیان مان افکنده شده است. وقتی امر (حکومت) ما واقع شد و مهدی ما  
قیام کرد هر یک از شیعیان قوی تر از شیر و برنده تر از پیکان خواهد بود؛ (به  
طوری که) با پایش دشمنان را کوبیده و با دستش به قتل می رساند.

۱. بحار الأنوار: ۳۰۹/۵۲.

۲. همان.

## سیره حکومتی امام عصر ارواحنا فداه

اگرچه پس از ظهور امام عصر علیه السلام عدالت و امنیت واقعی به طور کامل و فراگیر بر جهان حکمفرما شده و مردم در رفاه و آسایش و نعمت‌های بی‌کران خداوند غوطه‌ور خواهند بود؛ اما ولی خدا و امیر عالم هستی حضرت مهدی ارواحنا فداه همانند جدّ بزرگوارشان حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله وسلامه علیه زندگی بسیار ساده و بی‌آلایشی خواهند داشت.

مفضل - که از اصحاب و یاران برجسته امام صادق علیه السلام است - می‌گوید: نزد حضرت صادق علیه السلام در طواف بودم که ایشان به من نگاه کرده و فرمودند:

ای مفضل؛ چرا تو را غمگین و رنگ‌پریده می‌بینم؟

عرض کردم: فدایت شوم؛ به بنی‌عبّاس توجه می‌کنم و به آنچه از حکومت و سلطنت و بزرگی که در اختیارشان است؛ اگر این اختیارات در اختیار شما بود ما هم به همراه شما سهمی در آنها داشتیم.

امام علیه السلام فرمود:

یا مفضل؛ أما لو كان ذلك لم يكن إلا سياسة الليل، وسباحة النهار،

وأكل الجشب، ولبس الخشن شبه أمير المؤمنين علیه السلام، وإلا فالتار.<sup>۱</sup>

ای مفضل؛ آگاه باش اگر آن طوری باشد (و حکومت در دست ما باشد)، چیزی جز سیاست شب، تلاش روزانه، خوردن غذای سخت و پوشیدن لباس خشن همانند امیر مؤمنان علیه السلام نخواهند بود، در غیر این صورت آتش است.

عمرو بن شمرو - یکی دیگر از اصحاب امام صادق علیه السلام - می‌گوید: من نزد حضرت صادق علیه السلام در خانه ایشان بودم در حالی که خانه پر از جمعیت بود. مردم سئوال‌های خود را از ایشان می‌پرسیدند و حضرت نیز به هر سئوال پاسخ می‌فرمودند. من در گوشه خانه گریه‌ام گرفت. امام علیه السلام فرمودند: ای عمرو؛ چه چیز تو را به گریه انداخته است؟

عرض کردم: فدایت شوم؛ آیا در میان امت کسی مانند شما وجود دارد، در حالی که درب خانه به روی شما بسته شده و پرده بر شما افکنده شده است؟ (کنایه از شدت فشار حکومت بنی عباس است).

امام علیه السلام فرمود:

لاتبک یا عمرو؛ تأکل أكثر الطیب، و نلبس اللین؛ ولو كان الذي تقول، لم يكن إلا أكل الجشب ولبس الخشن مثل أمير المؤمنين علي بن أبي طالب علیه السلام، وإلا فمعالجة الأغلال في النار.<sup>۱</sup>

ای عمرو؛ گریه نکن، ما هم اکنون غذای خوب می‌خوریم و لباس راحت می‌پوشیم؛ اما اگر آن‌چه می‌گویی (حکومت) واقع شود کاری نمی‌ماند جز خوردن غذای سخت (خشک) و پوشیدن لباس خشن مانند امیر مؤمنان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام، در غیر این صورت زنجیرهای آتشین چاره‌کار است.

امام صادق علیه السلام درباره زندگی امام عصر ارواحنا فداه می فرمایند :

فوالله؛ ما لباسه إلا الغليظ، ولا طعامه إلا الجشب.<sup>۱</sup>

به خدا سوگند ؛ او جامه ای درشت و خشن می پوشد ، و خوراک خشک و ناگوار می خورد .

حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام می فرمایند :

... وما لباس القائم إلا الغليظ، وما طعامه إلا الجشب.<sup>۲</sup>

و قائم (علیه السلام) جز جامه درشت (خشن) نخواهد پوشید ، و جز خوراک سخت نخواهد خورد .

این ، روش سایر انبیاء و اولیاء بود که به گاه ریاست و حکومت بر خلق ، در پیش می گرفتند .

در روایت آمده است : جناب سلیمان علی نبیتنا وآله وعلیه السّلام با آن سلطنت عظیم ، لباس موین می پوشید . چون شب فرا می رسید دست های خود را به گردن می بست و تا صبح بر پا ایستاده و گریه می کرد . گذران زندگی او از زنبیلی بود که به دست خود می بافت و می فروخت و پادشاهی را بدان منظور جلب کرد که بر سلاطین کافر غلبه پیدا کند و آنان را به اسلام درآورد.<sup>۳</sup>

در حدیث است که خداوند تعالی به حضرت داود علیه السلام وحی کرد که : ای داود ؛ تو نیکو بنده ای برای ما هستی (تنها ایراد تو آن است که) از دسترنج خود نمی خوری و از بیت المال ارتزاق می کنی .

۱. الغیبة نعمانی رحمته الله : ۲۸۴ .

۲. الغیبة نعمانی رحمته الله : ۲۸۵ .

۳. حیاة القلوب : ۹۶۸/۲ به نقل از ارشاد القلوب : ۱۵۷ .

چون این پیغام خداوند متعال به حضرت داود علیه السلام رسید بسیار گریه کرد. پس خدای تعالی به آهن وحی کرد که همچون موم در دستان بنده ما - داود - نرم باش.

از آن پس، حضرت داود علیه السلام هر روز یک زره به دست خود می ساخت و به هزار درهم می فروخت تا آن که سیصد و شصت زره ساخت و به سیصد و شصت هزار درهم فروخت و از بیت المال بی نیاز گردید؛<sup>۱</sup> چنان که قرآن کریم از نرم شدن آهن در دستان حضرت داود علیه السلام خبر داده است.

و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در «نهج البلاغه» می فرماید:

... اگر خواهی تآسی به داود - صاحب مزامیر - کن که زبور را به آواز خوش می خواند و قاری اهل بهشت خواهد بود. به راستی که به دست خود از برگ خرما زنبیل هایی می بافت و به هم نشینان خود می گفت: کدامیک از شما این زنبیل ها را به بازار می برد و می فروشد؟ و از قیمت آن، نان جو می خرید و تناول می کرد.<sup>۲</sup>

۱. حیاة القلوب: ۹۶۸/۲ به نقل از کافی: ۷۴/۵.

۲. نهج البلاغه: خطبة ۱۶۰. مرحوم مجلسی می فرماید: شاید زنبیل بافتن پیش از نرم شدن آهن باشد.

## شکوفایی علم و دانش

از مهم ترین ویژگی های عصر ظهور گسترش فوق العاده علم و دانش در تمامی ابعاد و زمینه هاست که البته همچون سایر خصوصیات آن روزگار باشکوه درک کامل آن برای ما مردم دوران ظلمانی غیبت امکان پذیر نیست .  
 به روایت معروف امام صادق علیه السلام در این باره که در بسیاری از مراجع معتبر روایی نقل شده است توجه نمایید :

العلم سبعة وعشرون حرفاً، جميع ما جاءت به الرّسل حرفان، فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين، فإذا قام قائمنا أخرج الخمسة والعشرين حرفاً، فبثها في الناس وختم إليه الحرفين حتى يبثها سبعة وعشرين حرفاً.<sup>۱</sup>

علم ، بیست و هفت حرف است . تمام آنچه پیامبران آورده اند دو حرف است . و همه مردم تا امروز جز دو حرف را نمی دانند و یاد نگرفته اند .  
 آن گاه که قائم ما (علیه السلام) قیام نماید بیست و پنج حرف (دیگر) را بیرون آورده و در میان مردم منتشر می سازد و دو حرف دیگر را به آنها می افزاید تا تمام بیست و هفت حرف علم را در میان مردم منتشر نماید .

۱. مختصر البصائر: ۱۱۷، بحار الأنوار: ۲۳۶/۵۲.

و امانکات این حدیث :

۱ - در این روایت وقتی سخن از علم به میان می آید آن را به پیامبران نسبت می دهد ؛ یعنی علم حقیقی آن علمی است که منبع الهی داشته باشد و در کلمات ائمه معصومین علیهم السلام با تعابیر مختلف بر این حقیقت تأکید شده است که علم صحیح فقط و فقط نزد محمد و آل محمد علیهم السلام یافت می شود و بس . حضرت امام محمد باقر علیه السلام به دو نفر از اصحاب خویش به نام های سلمة بن کهیل و حکم بن عیتبه فرمودند :

شَرِّقًا وَغَرِّبًا فَلَا تَجِدَانِ عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ .<sup>۱</sup>

به مشرق بروید و به مغرب بروید پس علم صحیحی را نمی یابید مگر آنچه از نزد ما اهل بیت صادر شده باشد .

در عصر حاضر علوم تجربی بر پایه مشاهده اولیه و طرح فرضیه و پس از آزمایش و در نهایت اثبات فرضیه و شکل گیری یک قانون تجربی به دست می آید . این روش آزمون و خطا همانند حرکت در یک اتاق تاریک است . کسی که در یک اتاق تاریک حرکت می کند طبیعی است که از روش تجربه و خطا تبعیت نماید ؛ به آهستگی پیش برود ؛ چندین احتمال را آزمایش کند تا به طور تصادفی به نتیجه مطلوب برسد اگرچه همان نتیجه نیز قطعی و دائمی نیست و همه کسانی که با علوم پیشرفته تجربی سر و کار دارند از نسبی بودن قوانین علمی آگاهند .

تاریخ فیزیک ، طب ، نجوم و ... مملو از تئوری های علمی است که پس از



چندی باطل بودن آنها آشکار شده است. علم حقیقی چنان نیست که روزی درست و روز دیگر نادرست باشد. به طور قطع و حتم، دانش در عصر ظهور از حالت تجربه و خطایرون خواهد آمد.

اگر علوم تجربی و نیز علوم پایه را مسامحتاً کشف قوانین طبیعت از سوی انسان و داخل در قلمرو علوم بدانیم، در حوزه علوم انسانی قطعاً چنین نیست و انحرافات و غلط‌های فاحشی در آرای فلاسفه، عرفاء، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و... وجود دارد که بر پایه اوهام، تخیلات، تصورات و تمایلات نفسانی بنا نهاده شده است و با ظهور امام عصر ارواحنا فداه این قبیل دانش‌ها محکوم به فنا و نابودی است و جای آن را علوم حقیقی بر پایه حقایق غیبی و قطعی فراخواهد گرفت.

۲ - مقصود از علم، تنها تکنولوژی و دانش فنی نیست بلکه تمام آنچه را که جامعه بشری برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت بدان نیازمند است شامل می‌شود.

۳ - درست است که در این روایت از بیست و هفت حرف علم سخن به میان آمده و تأکید شده است که تا پیش از ظهور امام عصر صلوات الله علیه تنها دو حرف ارائه و آشکار می‌شود، اما دلیلی در دست نیست که این بیست و هفت حرف از لحاظ کیفیت و کمیت یکسان باشند و به عنوان مثال تصور شود که قبل از ظهور ۷/۴٪ از بیست و هفت حرف علم ظاهر شده و ۹۲/۶٪ بقیه پس از ظهور آشکار می‌شود.

فرض کنید دانش آموزی از سی و دو حرف الفبا فقط دو حرف «الف» و «ب» را یاد بگیرد. او فقط خواهد توانست «آب، بابا» را بخواند و بنویسد. حال اگر

همه حروف را یاد بگیرد میلیاردها کلمه و کتاب از این حروف منشعب خواهد شد.

۴ - تعبیر امام صادق علیه السلام - که می فرمایند: «فبثها في الناس» یعنی امام عصر علیه السلام دانش را بین مردم پراکنده می سازد - حاکی از آن است که عدالت امام ارواحنا فداه در این عرصه نیز شامل همگان می شود و برعکس زمان غیبت که عده ای معدود قادر به کسب علم و دانش می باشند در عصر درخشان ظهور، همه مردم از امکان آموزش و نعمت علم و دانش بهره مند خواهند شد.

۵ - انسان های عصر ظهور نیازی به آزمون و خطا و صرف میلیاردها ساعت برای تحقیق و پژوهش و اتلاف امکانات و منابع برای کشف حقایق نخواهند داشت؛ زیرا معلم بشریت با علم لایتناهی و دانش یقین بخش آسمانی در دسترس آنها خواهد بود.

شخصیتی آموزش بشر را عهده دار خواهد شد که از سوی خداوند سخن می گوید؛ همان خدایی که خالق همه ذرات و پدیده های و قوانین و سنت های حاکم بر عالم است و چنین ابرمردی در علمش به هیچ وجه خطا و اشتباه تصور نمی شود.

امام صادق علیه السلام درباره ویژگی های معصومین علیهم السلام به مفضل فرمودند:

يا مفضل؛ تعلم أنهم علموا ما خلق الله عزوجل وذراه و برأه،  
وأنهم كلمة التقوى وخران السماوات والأرضين والجبال  
والرّمال والبحار، وعلّمواكم في السماء من نجم وملك، ووزن  
الجبال وکیل ماء البحار وآنهارها وعیونها، واما تسقط من ورقة  
إلا علموها، «ولا حبة في ظلمات الأرض، ولا رطب ولا يابس

### إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّبِينٍ، وَهُوَ فِي عِلْمِهِمْ.<sup>۱</sup>

آن‌ها آنچه را که خداوند آفریده و از عدم و نیستی به وجود آورده است می‌دانند. آن‌ها مظهر تقوا و خزانة دار آسمان‌ها و زمین‌ها و کوه‌ها و صحراها و دریاها هستند و می‌دانند چه مقدار ستاره و چه اندازه فرشته در آسمان است. وزن کوه‌ها و اندازه آب دریاها و رودخانه‌ها و چشمه‌ها را می‌دانند. هر برگی از درختی می‌افتد آن‌ها خبر دارند و هر دانه‌ای که در تاریکی‌های زمین قرار گرفته آن را می‌دانند، و هیچ تر و خشکی نیست مگر این‌که در کتاب مبین یعنی در علم آن‌ها نقش بسته و آن را می‌دانند.

از داود رقی نقل کرده‌اند که شخصی خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شد و عرض کرد: علم شما در چه حدودی و چه مقدار است؟  
حضرت فرمود:

به تعداد سؤال شما؛ (یعنی ما جوابگوی همه پرسش‌های شما هستیم و آن‌چه را که بپرسید پاسخ آن را می‌دانیم.)

عرض کرد: این دریای آب است، آیا زیر آن هم چیزی است؟  
حضرت فرمود: آری؛ آیا دوست داری با چشم خود ببینی یا با گوش بشنوی، کافی است؟

عرض کرد: دیدن با چشم را بیشتر دوست می‌دارم؛ زیرا گوش گاهی چیزی را می‌شنود که آن را نمی‌شناسد و نمی‌داند و آن‌چه با چشم دیده می‌شود قلب به آن گواهی می‌دهد و نزد شخص ثابت و قطعی می‌گردد.

آن‌گاه امام علیه السلام دست آن شخص را گرفته به راه افتادند تا به کنار دریا رسیدند، به دریا اشاره نموده و فرمودند:

أَيُّهَا الْعَبْدُ الْمَطِيعُ لِرَبِّهِ؛ أَظْهَرَ مَا فِيكَ.

۱. بحار الأنوار: ۱۱۶/۲۶، تفسیر برهان: ۷/۶ ح ۸.

ای بنده فرمانبردار پروردگارش؛ آنچه در نهان خود داری ظاهر و آشکار کن.

ناگهان دریا از قعر آن شکافته شد و آبی نمایان گشت که از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر و از مشک خوش بوتر و از زنجبیل لذیذتر بود.

عرض کردم: ای ابو عبدالله؛ فدای شما گردم؛ این آب با این اوصاف برای کیست؟ و چه کسانی از آن استفاده می کنند؟

فرمود: **للقائم وأصحابه.**

برای (حضرت) قائم (علیه السلام) و یاران آن حضرت است.

پس این شخص سر خود را بالا برد و در هوا اسب‌هایی را زین کرده و لجام زده که بال داشتند مشاهده نمود. از امام صادق (علیه السلام) پرسید: این اسب‌ها چیستند؟

فرمود: **هذه خيل القائم وأصحابه.**

این، اسب‌هایی است که حضرت قائم و یاوران او بر آن‌ها سوار می شوند.

عرض کرد: من هم بر آن‌ها سوار می شوم؟

فرمود: اگر از یاران آن حضرت باشی سوار می شوی.

عرض کرد: من هم از این آب گوارا می آشامم؟

فرمود: اگر از شیعیان او باشی می آشامی.<sup>۱</sup>

۱. قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت (علیهم السلام) به نقل از دلائل الإمامة: ۴۶۱ و مدینة المعاجز: ۱۵۹/۶.

## فراوانی ثروت، رفع فقر

«هم‌اینک بشر در یکی از مساعدترین برهه‌های تاریخی از نظر رفاه اقتصادی و اجتماعی به سر می‌برد؛ اما فقر همچنان به رشد خود ادامه می‌دهد. در سال ۲۰۰۷ ارزش مجموع تولید اقتصاد جهان به ۶۰ تریلیون دلار رسید در حالی که هر شب ۸۰۰ میلیون نفر در سراسر جهان گرسنه سر به بالین می‌گذارند و یک میلیارد نفر با درآمد کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند»<sup>۱</sup>.

مال و ثروت دنیا از دیرباز منشأ بسیاری از اختلافات، ظلم‌ها، درگیری‌ها و خونریزی‌ها میان افراد بشر بوده و هست. (از اختلافات میان اعضای یک خانواده بر سر ارث و میراث خانوادگی که گاه رنگ خون می‌گیرد تا جنگ‌های خانمانسوز بین المللی و...). اقتصاد حرف اول را در دنیای امروز می‌زند و توزیع ناعادلانه ثروت منجر به ایجاد شکافی عظیم در میان کشورهای پیشرفته و جهان سوم و نیز شکل‌گیری قطب‌های معدود ثروت از یک سو و کانون‌های بی‌شمار فقر و محرومیت از سوی دیگر در همه جوامع شده است. در جامعه مهدوی به یگانه‌سازی پول و طلا و سکه برای همیشه خاتمه داده

۱. روزنامه همشهری: روز یازدهم ماه خرداد سال ۱۳۸۷.

می شود؛ مال و ثروت اهمیت و تأثیرگذاری خود را در مناسبات اجتماعی از دست خواهد داد؛ عدالت نهادینه خواهد شد؛ از فاصله های عظیم طبقاتی میان فقیر و ثروتمند خبری نخواهد بود؛ ثروت ها عادلانه توزیع می شود؛ هیچ کس دغدغه نان، لباس و مسکن نخواهد داشت؛ فقیری برای صدقه دادن یافت نخواهد شد؛ بشریت با فقر و تنگدستی وداع خواهد کرد و... و روایات در این خصوص بسیار است.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند:

... وتجمع إليه (القائم علیه السلام) أموال الدنيا من بطن الأرض وظهرها، فيقول للناس: تعالوا إلي ما قطعتم فيه الأرحام وسفكتم فيه الدماء الحرام، وركبتم فيه ما حرم الله عز وجل؛ فيعطي شيئاً لم يعطه أحد كان قبله... .

ثروت های دنیا به سوی او (حضرت قائم علیه السلام) جمع می گردد؛ ثروت های زیرزمینی و ثروت های روی زمین، آن گاه به مردمان می گوید: بیایید به سوی آنچه به خاطر آن قطع رحم نمودید و خون های حرام را ریختید و مرتکب آنچه که خداوند عز و جل حرام کرده بود شدید؛ پس به اندازه ای ثروت عطا می کند که احدی قبل از او به دیگری عطا نکرده است...<sup>۱</sup>

در روایت دیگری آمده است:

ويعطي الناس عطايا مرتين في السنة، ويرزقهم في الشهر رزقين... حتى لا تری محتاجاً إلى الزكاة، ويجيء أصحاب الزكاة بزكاتهم إلى المحاويع من شيعته فلا يقبلونها فيصرونها ويدرون

۱. دولت کریمه امام زمان عجل الله تعالی فرجه: ۱۰۹ به نقل از الغيبة نعمانی: ۲۲۷ باب ۱۳ ح ۲۶.

في دورهم فيخرجون إليهم فيقولون: لا حاجة لنا في دراهمكم...  
 فيعطي عطاء لم يعطه أحد قبله.<sup>۱</sup>

(حضرت مهدی علیه السلام) در سال دو بار به مردم بخشش‌ها و هدیه‌هایی عطا می‌کند، و در هر ماه دو بار به آنان روزی می‌دهد؛ به حدی که کسی را پیدا نمی‌کنی که محتاج به زکات باشد. صاحبان زکات با زکات‌هایشان به سوی محتاجین از شیعیان او می‌روند (ولکن) آنها قبول نمی‌کنند، پس برمی‌گردند و دوری می‌زنند و (دوباره) به سوی آنها برمی‌گردند، آنها می‌گویند: احتیاجی به درهم‌های شما نداریم... پس (قائم علیه السلام) به اندازه‌ای (به آنها) ثروت عطا می‌کند که کسی قبل از او عطا نکرده است.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا... وَيَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ  
 مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَيَأْخُذُ مِنْهُ زَكَاتَهُ، فَلَا يَجِدُ أَحَدًا يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ،  
 وَاسْتَغْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ.<sup>۲</sup>

هنگامی که قائم ما قیام نماید، زمین به نور پروردگارش (یعنی امام عصر علیه السلام) روشن خواهد شد... و شما در جستجوی اشخاصی برمی‌آید که مال (صدقه) یا زکات به آنها بدهید؛ ولی کسی را نمی‌یابید که از شما آن را بپذیرد. و مردم به فضل الهی از آنچه خداوند (به دست حضرت مهدی علیه السلام) به آنها روزی کرده است بی‌نیاز از یکدیگر می‌شوند.

فرض کنید در منطقه‌ای که در همهٔ منازل، آب لوله‌کشی وجود دارد و باز کردن یک شیر کافی است تا هر چه قدر که بخواهید به آب دسترسی داشته

۱. الغيبة نعمانی: ۲۳۷، بحار الأنوار: ۲۹۰/۵۲.

۲. بحار الأنوار: ۲۲۷/۵۲.

باشید. کسی یک به یک درب منازل را به صدا درآورد و بگوید: «آب آورده‌ام!» پرواضح است که همه خواهند گفت: در منزل ما آب هست، نیازی نداریم. دستری همگان به مال و ثروت در زمان ظهور دقیقاً همین‌گونه است؛ طلا و جواهر را تعارف و پیش‌کش می‌کنند اما احدی به آن توجه نخواهد کرد.



## نجات و نشاط طبیعت

اگر «عدل» شاهبیت مثنوی ظهور است، «ظلم و جور» بارزترین ویژگی زمان غیبت به شمار می آید که نه تنها بر مناسبات میان انسان ها که بر روابط میان انسان و طبیعت نیز سایه افکنده است؛ به ویژه در قرن بیستم که با پیشرفت تکنولوژی، تولید گازهای گلخانه ای، مواد شیمیایی، فضولات کارخانجات و صنایع، زباله های اتمی و مداخلات و تصرفات خودخواهانه و غیر مسئولانه بشر در طبیعت، کره زمین با یک بحران زیست محیطی جدی مواجه شده است. هشدارهای مکرر کارشناسان و فعالان محیط زیست از این واقعیت تلخ پرده برمی دارد.

به این عناوین دقت کنید:

- ۱- انسان، بزرگ ترین تهدید محیط زیست.<sup>۱</sup>
- ۲- نابودی سالانه ۲۰ میلیون هکتار از جنگل های جهان.<sup>۲</sup>
- ۳- رکورد بی سابقه ذوب شدن یخ های قطبی.<sup>۳</sup>

---

۱. روزنامه همشهری: روز چهارم، آبان ماه، سال ۱۳۸۷.

۲. همان: روز شانزدهم، ماه فروردین، سال ۱۳۸۸.

۳. همان: روز سوم، تیر ماه، سال ۱۳۸۸.

- ۱- آلودگی خاک، تهدیدی که جدی نمی‌گیریم؛ خطرناک‌تر از آلودگی هوا.
  - ۲- چاه‌هایی که بلای جان طبیعت شد (برداشت بی‌رویه آب از سفره‌های زیرزمینی طبیعت را تهدید را می‌کند).
  - ۳- سدسازی و نابودی اکوسیستم طبیعی و کشاورزی.
  - ۴- اسیدی شدن اقیانوس‌ها....
  - ۵- انقراض روزانه ۵۰ گونه گیاهی و جانوری، کره زمین را با بزرگ‌ترین موج انقراض در ۶۰ میلیون سال گذشته روبرو کرده است.
- روزنامه جام جم طی مقاله‌ای طولانی با عنوان «فریاد زمین به آسمان بلند است» می‌نویسد: امروز اوضاع کره زمین خوب نیست. این را آمارهای جهانی می‌گویند. بیشتر از یک قرن است که انسان‌ها بیش از گذشته به جان طبیعت افتاده‌اند و با تمام توان رو به نابودیش آورده‌اند. گرم‌شدن زمین، تولید روزافزون گازهای گلخانه‌ای، کمبود آب شیرین، بیابان‌زدایی و از دست رفتن خاک‌های مرغوب، جنگل‌زدایی و نابودی تنوع زیستی در کنار تهدید محیط زیست دریایی تنها بخشی از خسارات جبران‌ناپذیر وارد شده به محیط زیست کره زمین است. دمای کره زمین به دلیل مصرف بی‌رویه سوخت‌های فسیلی در سده اخیر ۳/۵ درجه افزایش یافته است.
- به برخی دیگر از این هشدارها توجه کنید:

---

۱. همان: روز دهم، اسفند ماه، سال ۱۳۸۷.

۲. همان: روز بیست و ششم، شهریور ماه، سال ۱۳۸۸.

۳. روزنامه اعتماد: روز یازدهم، آذر ماه، سال ۱۳۸۸.

۴. روزنامه همشهری: روز شانزدهم، خرداد ماه، سال ۱۳۸۸.

۵. همان: روز شانزدهم، فروردین ماه، سال ۱۳۸۸.

۶. روزنامه جام جم: روز اول، اردیبهشت ماه، سال ۱۳۸۹.

- پیامدهای فاجعه بار گرم شدن زمین برای ایران و جهان بیشتر از یک تهدید معمولی است. گرم شدن آب و هوای کره زمین و تغییر اقلیم یکی از مهم ترین مسائل زیست محیطی جهان است. مدت ها است که دیگر از برف و سرمای گذشته خبری نیست. برف کمی می بارد و دوامی ندارد. رودها و چشمه ها پیوسته خشک می شوند. کشاورزی صدمه می بیند و بسیاری از مردم جهان با مشکل کمبود آب آشامیدنی مواجهند.<sup>۱</sup>

- با ادامه روند گرم شدن زمین و آب شدن یخچال های قطب شمال، بسیاری از موجودات قطبی از جمله برخی پرندگان، شیرماهی ها، خوک های آبی، وال ها به ویژه خرس های قطبی در معرض خطر انقراض قرار گرفته اند.<sup>۲</sup>

این ها نمونه هایی از اوضاع طبیعت در زمان ظلمانی غیبت امام عصر ارواحنا فداه است که بشر با دست خود به وجود آورده است، و انسان را به یاد این فراز از دعای شریف عهد - که برگرفته از قرآن کریم است - می اندازد که چشم انتظاران دولت کریمه امام زمان عجل الله تعالی فرجه بامدادان این گونه با خداوند نجوا نموده و فرارسیدن ظهور آن عزیز و مصلح عالم را درخواست می کنند:

... ظهر الفساد في البرّ والبحر بما كسبت أیدی الناس، فأظهر  
اللهم لنا ولتیک وابن بنت نبیک...<sup>۳</sup>

فساد و پریشانی به دست مردمان در خشکی و دریا آشکار گردید، پس ای

۱. روزنامه همشهری: روز بیست و یکم، دی ماه، سال ۱۳۸۷.

۲. همان: روز سی و یکم، شهریور ماه، سال ۱۳۸۸.

۳. مفاتیح الجنان: دعای شریف عهد که امام صادق علیه السلام سفارش فرموده اند در هر بامداد خوانده شود.

پروردگار، ولی خود و پسر دختر پیامبرت را بر ما ظاهر فرما...

بیایید واقع‌نگر باشیم؛ ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که دانش و تکنولوژی و بعضاً نوابغ و دانشمندان در خدمت اربابان ثروت و قدرت می‌باشند. «انیشتین» را همه می‌شناسند؛ پدر فیزیک معاصر!! او کسی است که در جریان جنگ جهانی دوم به روزولت - رئیس جمهور وقت آمریکا - نامه می‌نویسد و ایالات متحده را به پیشی گرفتن از آلمان‌ها در ساختن بمب اتم ترغیب و راهنمایی می‌کند و چندی نمی‌گذرد که دو انفجار اتمی صدها هزار انسان بی‌گناه را به خاک و خون می‌کشد.

با دولت‌ها، قدرت‌ها، مافیاهای ثروت و صاحبان کارتل‌ها و شرکت‌های فراملیتی که برای تأمین و تضمین منافع نامشروع خویش از کاربرد سلاح‌های شیمیایی و بمب‌های اتمی و هیدروژنی و کشتن میلیون‌ها انسان ابایی ندارند، سخن گفتن از آلودگی آب‌ها، سوراخ شدن لایه اُزن، انقراض لاک‌پشت‌ها و از میان رفتن خرس‌های قطبی خنده‌آور به نظر نمی‌رسد؟! و آیا هزاران مقاله، سمینار و قطعنامه نیز خواهد توانست این انسان زیاده‌خواه را - که بابتی رحمی به طبیعت می‌تازد - به دلسوزی برای حیات وحش و طبیعت متقاعد کند؟!

حقیقت این است که طبیعت بی‌پناه نیز امروزه مظلومانه در چنگال نفس‌اماره بشر گرفتار آمده است و افق روشنی جز ظهور امام عصر عجل الله فرجه در برابر آن وجود ندارد. ظهور، دوران آشتی دوباره انسان با طبیعت است. تنها با ظهور است که طبیعت خسته از نامهربانی انسان، حیات دوباره‌ای خواهد یافت و جان تازه‌ای خواهد گرفت.

پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ در توصیف آن زمان چنین می‌فرمایند:

... فعند ذلك تفرح الطيور في أوكارها، والحيتان في بحارها،  
وتفيض العيون، وتثبت الأرض ضعف أكلها.<sup>۱</sup>

پس (در وقت ظهور) پرندگان در آشیانه‌های خود شادی می‌کنند و ماهیان  
دریاها شادمان می‌شوند، و چشمه‌ساران می‌جوشند و زمین چندین برابر  
محصول خویش را عرضه می‌کند.

در زیارت حضرت صاحب الأمر صلوات الله علیه نیز چنین می‌خوانیم:

السَّلام على ربيع الأنام ونصرة الأيام.<sup>۲</sup>

سلام بر (موعود) که بهار مردمان و طراوت بخش روزگاران است.

---

۱. ینابیع المودة: ۲/۱۳۶.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الأمر علیه السلام.

## تکامل عقل‌ها

از دیگر زیبایی‌های زمان باشکوه ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه کامل شدن عقل‌ها و خرده‌های مردمان آن روزگار است. امام پنجم حضرت باقر العلوم علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ  
وَأَكْمَلَ بِهِ أَحْلَامَهُمْ.<sup>۱</sup>

هنگامی که قائم ما ظهور کند، دست خود را بر سر مردم قرار می‌دهد و با آن عقل‌های مردم را متمرکز و دریافت‌های آن‌ها را به کمال می‌رساند.

تعریف عقل در مکتب اهل بیت علیهم السلام با آن‌چه در عُرف امروز جهان عقل نامیده می‌شود تفاوت دارد. در پاسخ به این سؤال که «عقل چیست؟» امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

(العقل) ما عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ، وَاِكْتَسَبَ بِهِ الْجَنَانُ.<sup>۲</sup>

(عقل) آن است که به وسیله آن خدا پرستش شود و بهشت به دست آید.

راوی پرسید: پس آن‌چه معاویه لعنه الله داشت چه بود؟

۱. بحار الأنوار: ۲۳۶/۵۲.

۲. اصول کافی: ج ۱ کتاب العقل والجهل ح ۳.

حضرت فرمودند :

تلك التكرء، تلك الشيطنة وهي شبيهة بالعقل وليست بالعقل.

آن، نیرنگ است. آن شیطنت است. به عقل شباهت دارد اما به واقع عقل نیست.

آری؛ پس از ظهور امام عصر علیه السلام جهانیان با عظیم‌ترین امر عالم هستی یعنی «ولایت» آشنا می‌شوند و تحت تربیت و آموزش مستقیم ولی خدا قرار خواهند گرفت. عقل نور است و نور وقتی جمع می‌شود متمرکز می‌گردد و همان‌گونه که اگر ذره‌بینی در مقابل نور آفتاب قرار داده شود اشعه خورشید با عبور از آن متمرکز شده درخشان‌تر و گرم‌تر می‌شود.

اولین لطف حضرت بقیه الله ارواحنا فداء به مردم آن است که عقل آنان را جمع، متمرکز و متراکم می‌کند، از ذره‌بین ولایت عبور می‌دهد و در نتیجه نور، حرارت و روشنایی آن صد چندان می‌شود.

تکمیل عقل‌ها آن‌چنان صفا و صمیمیتی در جامعه ایجاد می‌کند که همگان بر اثر برخورداری بودن از آن به دوستی، یگانگی و اتحاد دست می‌یابند. زندگی اجتماعی در آن عصر باشکوه آن‌چنان آکنده از مهر و محبت است که همه، ثروت خود را از آن دیگران و اموال آنان را همچون ثروت خود می‌دانند و از آن استفاده می‌کنند. و این، بر اثر حاکم بودن حکومت الهی و عادلانه امام عصر صلوات الله علیه در جهان می‌باشد که امکان استفاده از همه قدرت‌های مغزی را به جهان بشریت عنایت می‌کند و انسان‌ها به خاطر بهره‌مند شدن از عقل تکامل یافته به جهانی از صفا و صمیمیت، یگانگی و محبت راه می‌یابند.

اینک به این روایت توجه کنید :

حضرت باقرالعلوم علیه السلام به سعید بن حسن فرمودند :

أیجیء أحدکم إلى أخیه فیدخل یده فی کیسه، فیأخذ حاجته  
فلا یدفعه؟

فقلت: ما أعرف ذلك فینا.

فقال ابو جعفر علیه السلام: فلا شیء إذا.

قلت: فالهلاک إذا.

فقال علیه السلام: إن القوم لم یعطوا أحلامهم بعد.<sup>۱</sup>

آیا یکی از شما در جیب برادر دینی خود دست می‌کند و به قدر نیاز خویش  
بردارد و صاحب پول او را منع نکند؟

پس گفتم: من چنین چیزی در میان خودمان ندیده‌ام.

امام علیه السلام فرمود: بنابراین چیزی وجود ندارد.

گفتم: پس هلاکت گریبان‌گیر ما خواهد شد.

امام علیه السلام (این احتمال را نفی نموده و) فرمودند: هنوز به مردم خرده‌های آنان  
عطا نشده است.

بر اساس این روایت، تا زمانی که جامعه از این‌گونه خصلت‌های عالی  
انسانی برخوردار نباشد از عقل تکامل یافته بهره‌مند نیست و به فرمایش  
حضرت باقرالعلوم علیه السلام هنوز عقل‌های آن‌ها به آنان داده نشده است.<sup>۲</sup>

۱. اصول کافی: ۱/۱۷۳، بحار الأنوار: ۲۵۴/۷۴.

۲. دولت کریمه امام زمان عجل الله تعالی فرجه: ۱۲۳.



## امنیت همه جانبه

امنیت، نعمتی است که در اثر نبود یا کمبود آن، حیات بشریت مختل شده و آرامش از جامعه رخت می‌بندد و ترس، وحشت، کشتار، غارت و ناامنی همه جا را فرامی‌گیرد.

این‌ها از ویژگی‌های جهان قبل از ظهور امام عصر ارواحنا فداه است که مولای متقیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام در روایتی آن را چنین توصیف می‌فرمایند:

تملاً الأرض ظلماً وجوراً حتى يدخل كل بيت خوف وحزن  
يسألون درهمين وجريبين فلا يعطونه، فيكون قتال بقتال ويسار  
بيسار حتى يحيط الله بهم في مصره.<sup>۱</sup>

آن‌گاه که سراسر زمین را ظلم و جور فرا بگیرد؛ به گونه‌ای که در هر کاشانه و زیر هر سقفی ترس و اندوه راه یابد. (مردم) بر سر دو درهم مال و دو وجب زمین با یکدیگر گلاویز می‌شوند و قتل و کشتار به راه می‌اندازند، ناگاه امر خداوندی در زمینش بر آنان فرود می‌آید.

اما در دنیای پس از ظهور که سراسر امنیت و آرامش است از دغدغه‌ها و... عصر غیبت خبری نیست. امنیتی سرتاسر گیتی را فرامی‌گیرد که بشر در هیچ

عصر و روزگاری آن را تجربه نکرده است.

گستره و شمول این امنیت تا آن جاست که نه تنها انسان‌ها از گزند حیوانات و جانوران موذی در امان‌اند که حتی حیوانات قوی‌تر به ضعیف‌تر از خویش ستم نمی‌کنند و اگر زنی در شبی تاریک در حالی که جواهرات قیمتی به همراه دارد از شرق عالم به غرب آن سفر کند کسی مزاحم او نخواهد شد.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره چنین می‌فرمایند:

... ولو قد قام قائمنا لأنزلت السماء قطرها، ولأخرجت الأرض نباتها، ولذهبت الشحناء من قلوب العباد، واصطلحت السباع والبهائم حتى تمشي المرأة بين العراق إلى الشام لا يضع قدميها إلا على الثبات وعلى رأسها زينتها لا يهيجها سبُع ولا تخافه.  
لو تعلمون ما لكم في مقامكم بين عدوكم وصبركم على ما تسمعون من الأذى لقرت أعينكم.<sup>۱</sup>

وقتی قائم ما قیام کند آسمان باران‌های خودش را جاری می‌سازد؛ زمین نباتات (گیاهان و درختان) خود را بیرون می‌ریزد؛ دل‌های بندگان خدا از صفت‌های بد و کینه‌توزی پاک می‌شود (دل‌های مردمان به یکدیگر مهربان می‌شود و صفا همه قلب‌ها را فرامی‌گیرد). (نه تنها انسان‌ها بلکه) حیوانات درنده و چرنده با یکدیگر انس پیدا می‌کنند و (امنیت و عمران و آبادی به جایی می‌رسد که اگر) زنی جوان از عراق به سمت شام حرکت کند در حالی که خود را به زینت‌ها آراسته است قدم از قدم بر نمی‌دارد مگر این‌که بر گیاهان سبز و خرم و زمین‌های پر گل و ریحان پا می‌گذارد و هیچ‌یک از موجودات اعم از درندگان و انسان‌ها متعرض او نمی‌شوند و با

کمال آسایش به راه خود ادامه می دهد .

شما (شیعیان) که در مقابل اذیت های دشمنان (و زخم زبان و شماتت آنان) صبر می کنید در آینده با دیدن چنین حکومتی چشم هایتان روشن خواهد شد (یعنی به نحو احسن خداوند جبران ناراحتی های شما را خواهد نمود) .

و امام محمد باقر علیه السلام درباره یاران حضرت مهدی ارواحنا فداه می فرمایند :

... یقاتلون والله حتى یوحّد الله، ولا یشرك به شیئاً، وحتى تخرج

العجوز الضعیفة من المشرق ترید المغرب ولا ینهاه أحد.<sup>۱</sup>

سوگند به خدا؛ (یاران مهدی علیه السلام) آن اندازه جنگ می کنند تا خدا به یگانگی پرستیده شود و به او شرک نوزند و تا آن جا که پیرزنی سالخورده و ناتوان از این سوی جهان به آن سوی رهسپار می شود و کسی متعرض او نمی شود .

یکی از یاران امام هفتم علیه السلام می گوید: روزی ابوحنیفه نزد امام صادق علیه السلام

آمد، حضرت خطاب به او فرمودند:

این آیه که خداوند می فرماید: «سیروا فیها لیالی وایاماً آمنین»<sup>۲</sup>؛

«در زمین شبانه روز سیر کنید در حالی که در امان باشید»، درباره ی چه

سرزمینی است؟

ابوحنیفه گفت: گمان دارم بین مکه و مدینه باشد.

حضرت، رو به یاران خویش نموده و فرمود:

آیا می دانید که مردم در بین این راه مورد تعرض راهزنان قرار می گیرند و

۱. تفسیر عیاشی: ۶۲/۲، الغیبة نعمانی: ۲۸۳.

۲. سوره سبأ، آیه ۱۸.

اموال آنان به غارت برده می‌شود و افراد امنیت ندارند و کشته می‌گردند؟  
اصحاب پاسخ دادند: آری؛ چنین است و ابوحنیفه سکوت کرد. حضرت  
بار دیگر از او پرسیدند:

این آیه که خداوند می‌فرماید: «ومن دخله کان آمناً»<sup>۱</sup>؛ «هر کس در آن  
وارد شود در امان است»، درباره کدام نقطه از زمین است؟

ابوحنیفه گفت: کعبه است.

امام علیه السلام فرمودند:

آیا می‌دانی که حجاج بن یوسف ثقفی کعبه را برای سرکوبی ابن زبیر به  
منجنیق بست و او را کشت؟ آیا او در جای امن بود؟

ابوحنیفه سکوت کرد و دیگر سخن نگفت. چون او از مجلس بیرون رفت،  
ابوبکر حضرمی به حضرت عرض کرد: فدایت شوم؛ پاسخ این دو سؤال  
چیست؟

صادق آل محمد علیه السلام فرمودند:

ای ابابکر؛ مراد از آیه اول همراهی با قائم ما اهل بیت است. نیز سخن  
خداوند که فرمود: «هر کس در آن وارد شود در امان است» یعنی کسی که  
دست بیعت به او بدهد و در بیعت حضرتش وارد شود و از یاران و اصحاب  
حضرتش گردد، در امان خواهد بود.<sup>۲</sup>

و اول مظلوم عالم، امیر مؤمنان علی علیه السلام درباره حکومت مهدی آل  
محمد علیه السلام، حضرت بقیة الله الأعظم ارواحنا فداء می‌فرمایند:

۱. سوره آل عمران، آیه ۹۷.

۲. تفسیر برهان: ۲۱۲/۳، تفسیر نور الثقلین: ۳۳۲/۳.

سیأتي الله بقوم يحبهم ويحبونه، ويملك من هو بينهم غريباً،  
يملك بلاد المسلمين بأمان، ويصفو له الزمان، ويطيعه الشيوخ  
والفتيان، وتعمر الأرض وتصفو، وتزهو بمهديها، وتعدم الفتن  
ويكثر الخير والبركات.

خداوند قومی را می آورد که آن‌ها را دوست می دارد و آنان نیز او را دوست  
می دارند، و کسی که در میان آن‌ها غریب است! برایشان حکومت  
می کند. همه ممالک اسلامی را با امنیت و آسایش تحت سیطره خود اداره  
می کند.

روزگار با او سازگار می شود، پیر و جوان از او فرمان می برند، زمین آباد  
شده و پررونق می شود و به وسیله مهدی عالم علیه السلام، خرم و سرسبز می شود.  
فتنه‌ها نابود می شود و خیر و برکت فراوان می گردد.<sup>۱</sup>

۱. حضور در دولت کریمه امام زمان علیه السلام: ۱۹۹ به نقل از روزگار رهایی: ۶۰۸/۲ و نایب المودّة: ۱۳۱/۳.

## طولانی شدن عمرها و سالها

یکی از آرزوهای دیرینه انسان، افزایش عمر بوده است. هم‌اینک پژوهشگران زیادی در مراکز تحقیقاتی مجهز در سرتاسر جهان به دنبال شناخت عوامل و کشف داروهایی هستند که بتوانند بر پیری و فرسودگی سلول‌ها غلبه کنند و عمر طبیعی انسان‌ها را بالاتر ببرند؛ اما هنوز به نتیجه مطلوب نرسیده‌اند و نخواهند رسید.

در مقابل هر چه تمدن فسادزای امروزی پیشتر می‌رود و صنایع شیمیایی گسترش بیشتری می‌یابد، ضایعات ناشی از آن‌ها سایه مرگبار خود را بر محیط زیست بیشتر می‌گستراند و حیات انسان و حیوان و نباتات را پیش از پیش تهدید می‌کند.

در جامعه آرمانی پس از ظهور امام عصر ارواحنا فداه، این رؤیای شیرین بشر نیز تعبیر می‌شود و در روایات زیادی به طولانی شدن عمر انسان‌ها پس از ظهور بشارت داده‌اند. از جمله امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرمایند:

عاش الرجل في زمانه ألف سنة يولد له في كل سنة غلام ...  
یکسوه الثوب، فيطول عليه كلما كان، ويتلون عليه أي لون  
شاء.<sup>۱</sup>

۱. دلائل الإمامة: ۴۵۴ ح ۲۷، إنبات الهداة: ۵۷۳/۲.

(چه بسا) شخصی در زمان آن حضرت ، هزار سال عمر می‌کند که در هر سال پسری برایش متولد می‌شود ... جامه‌ای بر آن طفل بپوشاند که با طولانی شدن قد او بلند شود و به هر رنگی که بخواهد درآید .

تولد نوزاد پسر برای یک فرد شاید کنایه از اوج دانش و توانایی‌های مؤمنان عصر ظهور باشد که اگر بخواهند جنسیت فرزندان خود را نیز به راحتی تعیین کنند ، و این نیز از جمله مسائل بی‌شماری است که بشر هنوز نتوانسته است معمّای آن را حل نماید .

می‌گویند : قوی‌ترین دلیل بر امکان یک امر ، وقوع آن است . نام افراد زیادی در پهنه تاریخ به عنوان «معمّین»<sup>۱</sup> ثبت شده است که عمرهای طولانی داشته‌اند که از جمله به این موارد می‌توان اشاره کرد :

کیومرث ؛ هزار و ششصد سال و ذوالقرنین سه هزار سال عمر کردند . حضرت نوح علیه السلام - به تصریح قرآن - فقط ۹۵۰ سال در میان قوم خویش ، به تبلیغ توحید مشغول بود . از میان پیامبران حضرت عیسی ، حضرت الیاس ، حضرت ادریس و حضرت خضر علیه السلام هم اکنون نیز - بنا به اعتقاد مسلمانان - زنده‌اند و حضرت خضر علیه السلام مصاحب حضرت بقیة الله ارواحنا فداه در زمان غیبت و از کارگزاران آن حضرت در زمان ظهور خواهد بود .

شنیدن سرگذشت حبابه و البیّه بانوی باسعادت که محضر هشت امام معصوم علیهم السلام را درک کرده است و به اعجاز امام زین العابدین علیه السلام به یکباره جوان شده و عمری طولانی می‌یابد ، فهم این معنار را آسانتر می‌کند و پرواضح است که اگر امام معصوم علیه السلام با یک نگاه می‌تواند در یک فرد چنین تصرّفی بنماید ، با

۱. بحث «معمّین» : کسانی که عمری طولانی داشته‌اند ، در کتاب‌های تاریخی و روایتی زیادی مطرح شده است ؛ از جمله به «کمال الدین» ، «نجم الناقب» و «العبری الحسنان» می‌توان اشاره کرد .

همان یک نگاه می تواند در همه انسان ها چنین تصرّفی را اعمال نماید .  
حبابه<sup>۱</sup> والبیّه<sup>۱</sup> یکی از سه زنی است که معروف به صاحب حصات (یعنی صاحب سنگریزه ها) می باشند . او در مسجد کوفه خدمت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام شرفیاب شد و پرسید : دلیل امامت چیست ؟

آن حضرت فرمودند : آن سنگریزه را بیاور . وی آن را به حضرت تقدیم کرد و امیر مؤمنان علیه السلام به عنوان اعجاز و علامت امامت - بر سنگریزه او ، خاتم و مهر مبارک خود را نقش کردند به طوری که اثر آن ظاهر شد ، سپس به او فرمودند :

هر کس که ادعای امامت کند و مانند من انگشتر خود را به این سنگ بزند و اثر آن ظاهر شود امام بر حق است و بدان که امام هر چه بخواهد بر او مخفی نخواهد بود .

حبابه پس از شهادت امیر مؤمنان علیه السلام ، خدمت امام حسن مجتبی علیه السلام سپس محضر حضرت سیدالشهداء علیه السلام رسید . هر یک از آن بزرگواران انگشتر خود را بر آن سنگریزه زدند و اثر آن ظاهر شد . آن گاه در حالی به خدمت حضرت سید الساجدین علیه السلام رسید که سن او به ۱۱۳ سالگی رسیده و قامتش خم شده بود . با اشاره دست مبارک امام سجّاد علیه السلام به سن جوانی برگشت . آن حضرت نیز سنگریزه را طلب فرمود و انگشتر خود را به آن زد و اثر آن بر سنگ ظاهر شد .

---

۱ . حبابه دختر جعفر والبیّه است و «والبیّه» قبیله ای از بنی اسد است و کنیه او نیز «امّ التّداء» می باشد و حال او در جلالت و بزرگی و شأن و رتبه بسیار با عظمت است و شیخ طوسی و سایر ارباب رجال نیز او را ذکر کرده اند . حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بشارت درک ظهور امام عصر علیه السلام را به او داده و این بانو جزو سیزده زن سعادت مندی است که - بنا به فرمایش امام صادق علیه السلام - در زمان ظهور رجعت نموده و در خدمت آن حضرت خواهند بود . نقل از «حضور در دولت کریمه امام زمان علیه السلام : ۱۷۸»



سپس خدمت امام محمدباقر علیه السلام، امام جعفر صادق علیه السلام، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام رسید و علاوه بر آن که اعجاز امامت را از عزیزان طلب و مشاهده کرد از محضر مبارکشان کسب فیض نمود.

این بانو در زمان امامت حضرت رضا علیه السلام دارفانی را وداع نمود و حضرت، کفن و دفن او را خود بر عهده گرفت و در پیراهن مبارک خود، او را کفن نموده و در قبر نهادند در حالی که سن او به ۲۳۰ سال رسیده بود.<sup>۱</sup>

مسأله طولانی شدن عمر در کتاب‌های مقدس پیشینیان نیز آمده است؛ از جمله به این دو مورد اشاره می‌کنیم:

الف) در کتاب جاماسب - که از کتاب‌های مقدس زرتشتیان است - در توصیف زمان ظهور موعود آمده است:

مردی بیرون آید از زمین تازیان از فرزندان هاشم. مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق و بر دین جد خویش بؤد. با سپاه بسیار روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین پر داد کند و از داد وی باشد گرگ با میش آب خورد و مردم بسیار شوند و عمر، دیگر باز به درازا کشد و بازگردد؛ چنان‌که مردی بؤد که او را پنجاه فرزند بؤد، نر و ماده، و کوه و دشت پر از مردم و پر از حیوان شود و همچون عروسی شود و همه کس به دین مهرآزمای<sup>۲</sup> بازآیند و جور و آشوب از جهان برخیزد؛ چنان‌که فراموش کنند که چون<sup>۳</sup> سلاح باید داشتن، و اگر وصف نیکویی آن کنم، تلخ گردد این زندگانی که ما بدو

۱. داستان حیاة والیة از روایات معروف می‌باشد که در کتاب شریف «اصول کافی» (کتاب الحجّة) و «کمال

الدین» مرحوم شیخ صدوق نقل شده، و علامه مجلسی رحمته الله در «بحار الأنوار: ۲۷/۴۶» آن را نقل نموده است.

۲. کلمه «مهرآزمای» در کتاب جاماسب، نام مبارک حضرت محمد صلی الله علیه و آله است.

۳. چون: چگونه.

اندریم.<sup>۱</sup>

(ب) و در کتاب اشعیای نبی، آمده است:

در آن زمان، مرگ ناگهانی از کودکان و جوانان برطرف و مردم پس از پایان عمر طبیعی بدرود زندگی گویند و عمر مردم بقدری دراز شود که خانه‌ها و درخت‌ها دست‌نشانده آنان برای بازماندگان به میراث نرسد بلکه به اندازه عمر خانه‌ها و درختان زیست کنند.<sup>۲</sup>

و اما درباره طولانی شدن روزها، هفته‌ها، ماه‌ها و سال‌ها پس از ظهور امام عصر ارواحنا فداه به این روایت از وجود مقدس امام باقر علیه السلام بسنده می‌کنیم:

ابابصیر می‌گوید: به مولایم امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم:

چگونه سال‌ها (در ظهور امام عصر علیه السلام) طولانی می‌شود؟

حضرت فرمودند:

يَأْمُرُ اللَّهُ تَعَالَى الْفَلَكَ بِاللَّبُوثِ، وَقَلَّةِ الْحَرَكَةِ؛ فَتَطُولُ الْأَيَّامُ لَذَلِكَ  
وَالسَّنُونَ.

خداوند به فلک (منظومه شمسی) فرمان می‌دهد تا آرام شده و حرکتش کند گردد. در این صورت، روزها و سال‌ها طولانی می‌شود.

به آن حضرت عرض کردم: منجمان می‌گویند: اگر فلک (گردش سیارات) تغییر کند، نابود می‌شوند.

امام علیه السلام فرمودند:

ذَلِكَ قَوْلُ الزَّنَادِقَةِ؛ فَأَمَّا الْمُسْلِمُونَ فَلَا سَبِيلَ لَهُمْ إِلَى ذَلِكَ، وَقَدْ

۱. بشارت عهدین: ۲۵۸.

۲. همان: ۲۵۷.

شقّ الله القمر لنيّته ﷺ ، وردّ الشمس من قبله ليوشع بن نون ،  
وأخبر بطول يوم القيامة وإنه كآلف سنة ممّا تعدّون .<sup>۱</sup>

این سخن منکرین خداوند است ؛ اما مسلمانان نمی‌توانند چنین اعتقادی داشته باشند در حالی که (می‌دانند) خداوند ماه را برای پیامبرش شکافت و خورشید را برای یوشع بن نون (وصی و جانشین حضرت موسی عليه السلام) برگرداند و خبر داده که (یک) روز قیامت طولانی است و همانند هزار سال شمردنی شماست .

و البتّه می‌دانیم که «ردّ الشمس» و بازگشت خورشید پس از غروب آن ، بارها و بارها برای وصی و جانشین پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ ، مظهر العجائب ، حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله وسلامه علیه اتفاق افتاده است .

## جوشش برکت و رحمت

پس از ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه و به میمنت قدوم مبارک آن جناب، آسمان در نهایت رحمت می بارد و از زمین، برکت و رحمت می جوشد. قحطی و خشکسالی برای همیشه رخت برمی بندد. دیگر از بیابان های بی آب و علف خبری نیست. در سرتاسر زمین گیاه می رود؛ گویا مخملی سبز تمام زمین را پوشانده است. رودها پر آب شده و چشمه ها فوران می کنند. برکات زمین تا بدان حد است که مردم از عهده جمع آوری آن بر نمی آیند. محصول ده ها سال را در یک روز برداشت می کنند. از یک من گندم، صد من محصول به دست می آید و ...

اکنون به چند نمونه از روایاتی که پیامبر گرامی اسلام ﷺ در توصیف عصر ظهور؛ بهشت روی زمین، بیان نموده اند توجه کنید:

... یتنعم أمتي في زمن المهدي ﷺ نعمة لم ينعموا قبلها قط؛  
يرسل السماء عليهم مدراراً، ولا تدع الأرض شيئاً من نباتها إلا  
أخرجته... ۱.

... امت من در زمان مهدی علیه السلام به نعمت‌هایی دست می‌یابند که پیش از آن در هیچ دوره‌ای بدان دست نیافته بودند. در آن روزگار، آسمان باران فراوان فرو ریزد، و زمین هیچ رویدنی را در دل خود نگاه ندارد.

... ویظهر الله كنوز الأرض ومعادنها...<sup>۱</sup>

... خداوند برای او (حضرت مهدی علیه السلام) گنج‌ها و معادن زمین را آشکار می‌سازد.

... وتفیض العیون، وتثبت الأرض ضعف أكلها.<sup>۲</sup>

... چشمه‌ساران می‌جوشند و زمین چندین برابر محصول خویش را عرضه می‌کند.

... یحبّه ساکن الأرض والسّماء، وترسل السّماء مطرها، وتخرج الأرض نباتها، لاتمسك منه شیئاً... یتمنی الأحياء الأموات لیروا العدل والطمأنینة وما صنع الله بأهل الأرض من خیره.<sup>۳</sup>

... ساکنان زمین و آسمان به او عشق می‌ورزند، آسمان بارانش را فرو می‌فرستد، زمین گیاهان خود را می‌رویاند و چیزی از آن را فرو نمی‌گذارد... زندگان آرزو می‌کنند کاش مردگانشان زنده بودند و عدل و آرامش حقیقی را می‌دیدند و (می‌دیدند که) چگونه خداوند برکاتش را بر اهل زمین فرو می‌فرستد.

آری؛ سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت و زندگانی حقیقی، زمانی است که انسان با خدای خویش آشتی نموده و به دامان پرمهر و محبت حجت

۱. أعلام الوری: ۴۱۳.

۲. ینایع المودّة: ۱۳۶/۱.

۳. بحار الأنوار: ۱۰۴/۵۱.

خداوند بازگردد و این، در زمان ظهور امام عصر ارواحنا فداه تحقق پیدا می‌کند که در این صورت، زمین و آسمان، گیاهان و جانوران، آب و خاک، ابر و باد، ماه و خورشید، و همه آفریده‌های خداوند نیز به خدمتگزاری او کمر همت بسته و بدون آن‌که ذره‌ای دریغ کنند هر آن‌چه در کف دارند به پایش نثار می‌کنند.

این وعده الهی - که در قرآن کریم به عنوان یکی از سنت‌های پروردگار به آن اشاره شده است - در زمان ظهور امام زمان صلوات الله علیه جامه تحقق خواهد پوشید:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ  
وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾<sup>۱</sup>.

اگر اهل سرزمین‌ها (و آبادی‌ها) ایمان آورده و تقوای الهی پیشه خود می‌کردند ما نیز درب‌های برکات خود را از آسمان و زمین به روی آنان می‌گشودیم؛ ولی (افسوس) آن‌ها (انبیاء و اولیای خداوند را) تکذیب نمودند، ما نیز آنان را به جهت آن‌چه تکذیب کردند عذاب نمودیم.

اگر مردم از ابتدا مطیع و تسلیم حجت‌های الهی می‌شدند و گوش به فرامین و دستورات آن بزرگواران می‌دادند، دنیای امروز رنگ و بوی دیگری داشت و هزاران سال پیش به عدالت و رفاه و امنیت دست یافته بودند. و اگر اکنون نیز همگی تقوای الهی پیشه کرده و حجت الهی را خواستار شوند، خداوند رحمت و برکات خویش را با ظهور آخرین حجت خود، حضرت مهدی ارواحنا فداه نازل می‌کند؛ ولی افسوس و هزاران افسوس که از همان ابتدا دین و

دنیای خود را به خاطر هوای نفس جماعتی جاه طلب و با پیروی از آنان تباه و نابود ساختند، و به جای گوش دادن به نصایح حجت‌های الهی و رجوع کردن به این طبیبان در آشنا و دلسوز با آنها به عناد و ستیز برخاستند و یکی را مظلومانه در محراب مسجد کوفه به شهادت رساندند؛ دیگری را در صحرای کربلا با آن طرز فجیع به همراه فرزندان و اصحابش قطعه قطعه کردند؛... و آخرین آنان را در پس پرده غیبت نشانند و هنوز نیز ادامه می‌دهند.

به راستی تا چه وقت شاهد هلاکت انسان در مسلخ جهالت و نخوت او خواهیم بود؟! آیا وقت آن نرسیده است که انسان از این خواب غفلت که دنیا و آخرت او را به تباهی کشانده بیدار شده و به دامن پر مهر و محبت پدر مهربان خویش برگردد؟ یا باز هم شیاطین انس و جن کماکان او را از بازگشت به خانه فطرت و دامن مهربان والدین حقیقی‌اش باز خواهند داشت؟

امیدواریم که جامعه جهانی از این همه خسارت، جنگ، خونریزی، تجاوز، ظلم و ستم، مصیبت و سختی، و نیز آسیب‌های به ظاهر طبیعی همچون بیماری‌های لاعلاج، سیل، زلزله و... درس عبرت گرفته و به سوی خداوند بازگشته و تقوای الهی را در پیش گیرد و دست نیاز به سوی معبود بی‌نیاز بلند نموده و دادرس و مصلح حقیقی را خواستار شود که جز او کسی را یارای اصلاح چنین خسارت‌های جبران‌ناپذیر نیست و خالق هستی تنها به آن وجود نازنین این جامه را پوشانده است.

### شفای همه بیماران

تصوّر دنیای عاری از هر گونه رنج، درد و بیماری حتی در عالم ذهن و خیال هم جذاب، دلکش و نشاط‌انگیز است؛ چه رسد به این‌که چنین امری حقیقتاً در عالم واقع اتفاق بیفتد.

مردمان عصر ظهور چنین دنیایی را تجربه خواهند کرد. در آن روزگار پرنشاط، از امراض جسمانی، بیماری‌های روحی-روانی، معلولیت‌های ذهنی و ضعف و ناتوانی خبری نخواهد بود.

امام محمد باقر علیه السلام آن روزگار باشکوه را چنین توصیف می‌فرمایند:

من أدرك قائم أهل بيتي من ذي عاهة برأ، ومن ذي ضعف قوي!

هر کس قائم اهل بیت مرا درک کند؛ اگر بیمار باشد تندرست می‌گردد، و اگر دارای ضعف و ناتوانی است قوی می‌شود.

حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام نیز در این باره می‌فرمایند:

... ولا يبقى على وجه الأرض أعمى ولا مقعد ولا مبتلى إلا كشف



### الله عنه بلاؤه بنا أهل البيت .

سرانجام در عصر ظهور هیچ فرد نابینا و زمینگیر و مبتلا باقی نمی ماند مگر آن که خداوند به وسیله ما اهل بیت بلا را از او برطرف می نماید.<sup>۱</sup>

آری؛ در عصر با عظمت ظهور همه این ها تحقق پیدا خواهد کرد؛ و چگونه چنین چیزی غیر ممکن باشد در حالی که کتاب های مناقب و فضایل مملو از سرگذشت کسانی است که به دست مبارک پیامبر اکرم ﷺ و یا امامان معصومین از بیماری های صعب العلاج و لا علاج شفا یافته اند و این در حالی بود که قدرت و حکومت ظاهری در دست آن عزیزان نبود و دشمنان آن را غصب نموده بودند، و به خاطر مصلحت هایی که خود می دانستند در مواردی این امور اعجازی را انجام می دادند.

پرواضح است که وقتی قدرت و حکومت آن عزیزان در عصر طلایی ظهور ظاهر شود همه کجی ها و ناتوانی ها را به طور کامل - اعم از روحی و جسمی و مادی و معنوی و ... - اصلاح می کنند.

وقتی امام عصر صلوات الله علیه با قدرت ولایت خود، خوی درندگی را از جانوران درنده می گیرند بالطبع می توانند خوی بیماریزایی را از میکروب ها، ویروس ها و سایر عوامل بیماریزا سلب نمایند.

البته این امر - یعنی ریشه کن شدن بیماری ها - را به گونه ای دیگر نیز می توان توجیه نمود و آن این که پیامبر عظیم الشأن اسلام ﷺ فرموده اند:

إِنَّ الله تبارك وتعالى لم ينزل داء إلا وقد أنزل له دواء.<sup>۲</sup>

۱. دولت کریمه امام زمان عجل الله تعالی فرجه: ۱۱۶ به نقل از بحار الأنوار: ۶۲/۵۳.

۲. مستدرک سفینه البحار: ۳۷۷/۳ به نقل از قرب الإسناد.

همانا خدای - تبارک و تعالی - هیچ مرضی را نازل نکرده مگر آن که دواى آن را نیز نازل کرده است .

و در روایت دیگری تصریح فرموده‌اند :

ما خلق الله داء إلا وخلق له دواء إلا السّام .

وقال : الذي أنزل الدّاء أنزل الشّفاء .<sup>۱</sup>

خداوند هیچ مرضی را نیافرید مگر آن که داروی آن را نیز خلق کرد جز مرگ .

و فرمود : آن خدایی که بیماری را نازل کرد ، شفا را هم نازل فرمود .

و از آن جا که امام عصر ارواحنا فداه مخزن علوم و معدن اسرار الهی است ، پس از ظهور دانش بی کران خود را ظاهر و منتشر می فرماید و مردم دواى هر دردی و درمان هر بیماری را از آن حضرت می آموزند .

و دردمندانه باید گفت : امروزه بشر در حوزه سلامت جسم و روح خویش با خطراتی مواجه است که خلاصی از آنها با توجه به شرایط حاکم بر جهان (در زمان غیبت امام عصر صلوات الله علیه) عملاً محال است که مثال بارز آن ، اعتیاد به مواد افیونی است .

در شبکه تولید ، توزیع و مصرف این مواد به وضوح دست پلید مافیایاها آن هم به صورت چند ملیتی و فرامنطقه‌ای قابل مشاهده است . سرمایه در گردش این تجارت مرگبار در سال ۲۰۰۳ حدود ۴۰۰ میلیارد دلار برآورد شده که سود حاصل از این صنعت را سالیانه به ۶۰۰ میلیارد دلار می رساند .

اکنون در همه نقاط جهان همه گونه مواد مخدر یافت می شود و ظرف کمتر

۱ . مستدرک سفینه البحار : ۳/۳۷۷ به نقل از طب الأئمة عليهم السلام : ۳/۳۷۸ .

از چند دقیقه مصرف کنندگانی که اغلب آنان را جوانان تشکیل می دهند به این مواد دسترسی پیدا می کنند. چه سرمایه های عظیم انسانی که هدر نمی رود و چه ضربات جبران ناپذیری که بر پیکره خانواده ها و جوامع فرود نمی آید! در جهانی که ۳۰۰ میلیون نفر آمار معتادان رسمی آن است؛ هر چند یک بار ماده مخدر جدیدی به بازار عرضه می شود؛ اراده ای شیطانی برای کسب سود بیشتر به مصرف این مواد دامن می زند؛ آیا می توان به دنیایی عاری از مواد مخدر فکر کرد؟

قابل ذکر است که تاکنون هیچ روش مؤثر و مطمئنی برای رهایی از چنگال دیو اعتیاد و درمان معتادان شناخته نشده است!

## سفر به آسمان‌ها

پیش از پرداختن مستقیم به این موضوع، جان و دل را با چند روایت نورانی از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام جلا می‌دهیم:

۱- امیر مؤمنان حضرت علی علیه‌السلام بارها و با عبارات‌های مختلف تسلط خود را بر راه‌های آسمان مورد تأکید قرار داده‌اند، از جمله فرموده‌اند:

سلوني قبل ان افقد من طرق السماء.<sup>۱</sup>

پیش از آن‌که مرا از دست بدهید، درباره‌ی راه‌های آسمان از من پرسید.

۲- آن حضرت در روایت دیگری فرمودند:

سلوني عن طرق السماء؛ فإتني بها من سلوك الطرق في الأرض  
أعلم.<sup>۲</sup>

از من درباره‌ی راه‌های آسمان سؤال کنید؛ زیرا من به آن مسیرها از راه‌های زمین داناتر هستم.

۳- امام صادق علیه‌السلام در روایتی می‌فرمایند:

إنَّ لله عزَّوجلَّ إثني عشر ألف عالم، كلَّ عالم منهم أكبر من سبع

۱. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب: ۱/۳۱۹.

۲. الصراط المستقیم: ۱/۲۲۵.

سماوات وسبع أرضین، ما یری عالم منهم إنّ لله عالماً غیرهم  
وإني الحجّة عليهم.<sup>۱</sup>

خداوند عزوجل دوازده هزار جهان (عالم) دارد. هر جهانی بزرگتر از هفت  
آسمان و هفت زمین است. هیچ کدام از ساکنان این جهان ها گمان نمی کنند  
که خداوند جهان دیگری نیز غیر از جهان آنها ساخته است و من بر همگی  
آنان حجّت هستم.

۴ - مردی بر سیدالسادین امام زین العابدین علیه السلام وارد شد. حضرت به او  
فرمودند:

شما کیستید؟

عرض کرد: منجم هستم.

امام علیه السلام فرمودند: شما یاوه گو (خیال پرداز) هستید. پس نگاهی به او کرده  
فرمودند:

هل أدلك على رجل قدم منذ دخلت علينا في أربع عشر عالماً  
كلّ عالم أكبر من الدنيا ثلاث مرّات؟...<sup>۲</sup>

آیا به تو نشان دهم مردی را که از وقتی بر ما وارد شدی در چهارده جهان  
وارد شده و حال آنکه هر کدام از آن جهان ها سه برابر دنیای شماست؟...<sup>۳</sup>

۵ - حضرت امام صادق علیه السلام می فرمایند:

إنّ من وراء عين شمسك هذه أربعين عين شمس فيها خلق كثير،  
وإنّ من وراء قمرکم أربعين قمراً فيها خلق كثير...<sup>۳</sup>

در ورای این خورشید شما چهل خورشید دیگر است که در آنها آفریدگان

۱. الخصال: ۱۱، بحار الأنوار: ۳۲۰/۵۴.

۲. بصائر الدرجات: ۴۲۰، بحار الأنوار: ۳۲۸/۵۴.

۳. بحار الأنوار: ۳۲۹/۵۴.

بسیاری وجود دارند ، و در ورای این ماه شما چهل ماه است که آفریدگان  
بسیاری در آن‌ها زندگی می‌کنند...

۶- امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند :

إِنَّ مِنْ وَرَاءِ قَافٍ عَالَمًا لَا يَصِلُ إِلَيْهِ أَحَدٌ غَيْرِي، وَأَنَا الْمَحِيطُ بِمَا  
وَرَاءَهُ، وَعِلْمِي بِهِ كَعِلْمِي بِدُنْيَاكُمْ هَذِهِ، وَأَنَا الْحَفِيفُ الشَّهِيدُ  
عَلَيْهَا، وَلَوْ أَرَدْتُ أَنْ أُجِوبَ الدُّنْيَا بِأَسْرَهَا وَالسَّمَاوَاتِ السَّبْعِ  
وَالْأَرْضِينَ فِي أَقَلِّ مِنْ طَرْفَةِ عَيْنٍ لَفَعَلْتُ لَمَّا عِنْدِي مِنَ الْإِسْمِ  
الْأَعْظَمِ، وَأَنَا الْآيَةُ الْعَظْمَى وَالْمَعْجَزُ الْبَاهِرُ<sup>۱</sup>.

در پشت (ورای کوه) قاف جهانی (تمدنی) است که کسی غیر از من به  
آنجا نرسیده است و من به بعد از آن نیز احاطه دارم و دانش من به آن  
جهان مانند دانشم به این دنیای شماست ، و من حافظ و ناظر بر آن جهان  
هستم . هر گاه اراده کنم که تمامی دنیا و آسمان‌های هفت‌گانه و زمین‌ها را  
در یک چشم برهم زدن گردش کنم ، می‌توانم ؛ زیرا اسم اعظم نزد من است  
و من بزرگ‌ترین نشانه و اعجاز برتر هستم .

۷- سلمان محمدی پس از نقل سفر حیرت‌انگیز خود به آسمان‌ها در معیت  
و همراهی امیر عالم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌گوید :

... ثُمَّ سَأَلْنَا الرَّجُوعَ إِلَى أَوْطَانِنَا، فَقَالَ: أَفْعَلُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. فَأَشَارَ  
إِلَى السَّحَابِينَ فَدَنَا مِنَّا، فَقَالَ: خذُوا مَوَاضِعَكُمْ، فَجَلَسْنَا عَلَى  
سَحَابَةٍ فَجَلَسَ عَلَيَّ الْآخِرَى وَأَمَرَ الرِّيحَ فَحَمَلْتَنَا حَتَّى صَرْنَا فِي  
الْجَوِّ، وَرَأَيْنَا الْأَرْضَ كَالدَّرْهِمِ، ثُمَّ حَطَّتْنَا فِي دَارِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام

في أقلّ من طرف النّظر، ووصولنا إلى المدينة في وقت الظهر  
والمؤذن يؤذن، وكان خروجنا منها وقت علت الشمس.

فقلنا: بالله العجب كُنّا في جبل قاف مسيره خمس سنين وعدنا  
في خمس ساعات من النّهار.

وقال أميرالمؤمنين عليه السلام: لو أنّني أردت أن أجوز الدنيا بأسرها  
والسّموات السبع وأرجع من الطرف لقطعت بما عندي من اسم  
الله الأعظم....!

... پس از ایشان تقاضا کردیم ما را به وطنمان بازگرداند.

ایشان نیز فرمود: به زودی إنشاء الله این کار را خواهم کرد.

پس (امام عليه السلام) به دو «ابر» اشاره کرد و آن‌ها به ما نزدیک شدند. پس  
فرمودند: در جایگاه خود بنشینید.

ما بر یک «ابر» نشستیم و آن حضرت نیز بر ابر دیگر سوار شده و به «باد»  
فرمان دادند ما را بالا ببرد تا این‌که به آسمان (زمین) رسیدیم و زمین را  
مانند درهمی (کره‌ای) دیدیم. پس در کمتر از یک چشم بر هم زدن در  
خانه امیر مؤمنان عليه السلام فرود آمدیم. رسیدن ما به مدینه هنگام ظهر بود و  
خروج ما از شهر مدینه زمان بالا بودن خورشید بود.

گفتیم: به خداوند سوگند، عجیب است که ما راه پنج سال تا کوه قاف را  
در پنج ساعت رفته و بازگشتیم.

امیر مؤمنان عليه السلام فرمود: اگر من بخواهم از تمام دنیا و آسمان‌های هفت‌گانه  
در یک لحظه عبور کرده و بازگردم خواهم توانست؛ زیرا اسم اعظم الهی با  
من است.

۱. مجمع التورین (مرتدی): ۲۲۰. این جریان را مرحوم مقدّس اردبیلی نیز به تفصیل در «حدیقة الشیعة» ذکر کرده است.

هدف ما از بیان روایات ذکر شده، تأکید بر این حقیقت است که بر اساس آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام تمدن‌ها و موجودات دیگری نیز در این جهان پهناور زندگی می‌کنند، و از آن‌جا که اهل بیت علیهم السلام خلیفه و جانشین خداوند در همه عوالم و حجّت بر جمیع ما سوی الله می‌باشند، آن جهان‌ها و ساکنان آن و نیز راه‌های آسمانی را به خوبی می‌شناسند.

در کتاب‌های فضایل و مناقب، از سفرهای فضائی امیر مؤمنان علی علیه السلام، امام سجّاد علیه السلام، امام محمد باقر علیه السلام و... سخن به میان آمده است و این موارد از چنان تعدّد و تنوعی برخوردار است که هیچ جای شک و تردید بر کسی باقی نمی‌گذارد. حتماً مطلعید که اعتقاد به معراج جسمانی پیامبر صلی الله علیه و آله - که در حقیقت یک سفر آسمانی و یک سیر فضایی بود - از ضروریات دین روشنگر اسلام است و انکارکننده آن در حکم منکر ضروری دین و در زمره کافران به حساب می‌آید.

وجود تمدن و موجودات دیگر در گزارش‌های علمی امروزی نیز آمده است. به این مطلب توجه کنید:

«امروزه شکی بر هیچ کس نیست که در کائنات زندگی فراخاکی وجود دارد. هنگامی که یازده تن از دانشمندان متخصص بعد از یک کنفرانس محرمانه در سال ۱۹۶۱ در «گرین بانک» ویرجینیای غربی از یکدیگر جدا می‌شدند، توافق‌نامه‌ای داشتند که بر طبق فرمولی نشان می‌داد بیش از پنجاه میلیون تمدن در کهکشان ما وجود دارد.

«راجر آمک گوان» یکی از مقامات مسئول در «ناسا» (واقع در رداستون آلاباما) که بر طبق نظریات وی جدیدترین پیشرفت‌های فضایی تحقق یافته



است، به عدد ۱۳۰ میلیارد فرهنگ ممکن در کهکشان نیز رسیده است.<sup>۱</sup> و برای این که گوشه‌ای از عظمت خالق جهان و مقام و منزلت خلیفه خداوند امام زمان ارواحنا فداه که بر همه آفرینش ولایت و سیطره دارند بر شما بیشتر آشکار شود و از دیگر سوی به ضعف و حقارت بشر بیشتر پی ببرید، این واقعیت را در ذهن خود مرور کنید:

«زمین ما به همراه خورشید و هفت سیاره دیگر، منظومه شمسی را تشکیل می‌دهند. (خورشید یک میلیون برابر از زمین بزرگتر است) منظومه شمسی بسان نقطه‌ای بسیار ریز در کهکشان راه شیری است که از صدها میلیارد ستاره تشکیل شده است و کهکشان عظیم راه شیری خود یکی از میلیاردها کهکشان جهان است.»<sup>۲</sup>

و اما درباره سفرهای فضایی پس از ظهور، حضرت باقر العلوم علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

أَمَّا إِنَّ ذَا الْقَرْنَيْنِ قَدْ خَيَّرَ بَيْنَ السَّحَابِينَ، فَاخْتَارَ الذَّلُولَ، ذَخِرَ لَصَاحِبِكُمُ الصَّعْبَ.

قال: قلت: وما الصعب؟

قال: ما كان من سحاب فيه رعد وصاعقة أو برق فصاحبكم يركبه، أما إنه سيركب السحاب ويرقى في الأسباب أسباب السماوات السبع والأرضين السبع خمس عوامر وإثنتان خرابان.<sup>۳</sup>

۱. دولت کریمه امام زمان عجل الله تعالی فرجه: ۲۸۰ به نقل از «بازگشت به ستارگان: ۴».

۲. دولت کریمه امام زمان عجل الله تعالی فرجه: ۲۷۶ به نقل از «شگفتی‌های کاوش جهان: ۲۳۰».

۳. بصائر الدرجات: ۴۲۹، بحار الأنوار: ۳۴۳/۵۴.

آگاه باشید؛ ذوالقرنین میان انتخاب دو ابر (به عنوان وسیله نقلیه) مختار شد و او (ابر) آرام را انتخاب کرد و (ابر) سهمگین (و توفنده) را برای صاحب شما (امام عصر علیه السلام) گذاشت.

راوی گوید: سؤال کردم: (ابر) سهمگین چیست؟

فرمود: ابری است که در آن رعد و برق و صاعقه است. پس صاحب شما (امام عصر علیه السلام) بر آن سوار می شود. آگاه باشید که ایشان به زودی سوار این ابر می شود و در نردبان آسمان های هفت گانه و زمین های هفت گانه بالا خواهد رفت در حالی که پنج مورد آباد و دو مورد خراب است.

امام هشتم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله بخشی از گفتگوی آن حضرت را با خدای تعالی در شب معراج، این گونه بیان فرموده اند:

قللت: یا رب هؤلاء أوصیائی بعدی؟ فنودیت یا محمد؛ هؤلاء أولیائی وأحبائی وأصفیائی وحججی بعدک علی بریئتی، وهم أوصیائک وخلفاؤک وخیر خلقی بعدک.

وعزتی وجلالی لأظهرنّ بهم دینی، ولأعلینّ بهم کلمتی، ولأظهرنّ الأرض بأخرهم من أعدائی، ولأملکنه مشارق الأرض ومغاربها، ولأسخرنّ له الرّیاح، ولأذللنّ له السحاب الصعاب، ولأرقینّه فی الأسباب، ولأنصرنّه بجندی، ولأمدنّه بملائکتی، حتّی یعلن دعوتی، ویجمع الخلق علی توحیدی، ثمّ لأدیمنّ ملکه، ولأداولنّ الأیام بین أولیائی إلى یوم القیامة<sup>۱</sup>.

۱. کمال الدین: ۱/۲۶۶، عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۱/۲۶۲، بحار الأنوار: ۵۲/۳۱۲.

عرض کردم: پروردگارا، (آیا) اینان جانشینان بعد از من هستند؟  
 به من نداشت: ای محمد، اینان اولیای من و دوستان و برگزیدگان و  
 حجت‌های من پس از تو بر آفریدگانم می‌باشند و آنان اوصیا و جانشینان تو و  
 بهترین آفریده من پس از تو می‌باشند.

به عزت و جلالم سوگند، به وسیله آنها حتماً دینم را آشکار کرده، و  
 کلمه خودم را به وسیله آنها بالا می‌برم و حتماً به وسیله آخرین آنها  
 (امام عصر علیه السلام) زمین را از دشمنانم پاک می‌سازم و حتماً او را مالک  
 مشرق‌ها و مغرب‌های زمین می‌گردانم، و حتماً «بادها» در تسخیر او  
 درمی‌آورم، و حتماً او را با سپاهیان خودم یاری می‌نمایم، و حتماً او را به  
 وسیله فرشتگان خود مدد می‌کنم تا دعوت مرا آشکار ساخته و همه  
 آفریدگان را بر اعتقاد به توحید و یکتائی من گرد آورد. سپس ملک او را  
 پایدار ساخته و دوران حکومت‌ها را میان اولیای خودم تا قیامت  
 می‌گردانم.

مؤلف کتاب ارزشمند «دولت کریمه امام زمان عجل الله تعالی فرجه» پس از نقل  
 این روایت فوق به تفصیل نکاتی را بر می‌شمرد که ما خلاصه‌وار به برخی از  
 آنها اشاره می‌کنیم:

۱ - صعود امام عصر ارواحنا فداه به آسمان‌ها همانند معراج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله  
 صعود جسمانی است.

۲ - در روزگار ناشناخته ظهور برای فضانوردی و رفتن به آسمان‌ها از  
 وسیله‌های گوناگون استفاده می‌شود که در این روایت به سه نوع آن، «بادها»،  
 «ابرهای سخت» و «وسیله‌های فضایی» اشاره شده است.

۳ - خداوند تعالی به عزت و جلال خود سوگند یاد کرده و پس از آن نیز

تمام افعال را با «لام» و «نون» تأکید آورده است؛ یعنی به طور قطعی و صد در صد چنین رخدادهایی واقع خواهد شد.

۴ - تعدّد و فراوانی این وسایل و اسباب دلیل بر آن است که فقط برای استفاده شخص آن حضرت نیست بلکه اصحاب و یاران حضرت و هر کس که آن حضرت صلاح بدانند از این وسایل استفاده خواهند کرد؛ همان‌گونه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام برخی اصحاب خود همانند سلمان و عمار را به آسمان‌ها بردند و امام محمد باقر علیه السلام جابر بن یزید جعفی را و...

۵ - تعبیر به «اسباب السّموات» (وسیله‌هایی که آسمان‌ها را می‌پیماید) وجود وسیله‌های فضایی با سرعتی بالاتر از سرعت نور را ثابت می‌کند به گونه‌ای که از جاذبه ماده و مکان گذشته و به محدودیت زمان گرفتار نباشد. این خود از اصول اساسی در پیشرفت‌های فضایی پس از ظهور است.<sup>۱</sup>

۱. دولت کریمه امام زمان عجل الله تعالی فرجه: ۲۹۵ - ۲۹۲.

## سفر بر بال فرشتگان

وسایل نقلیه در روزگار ما هر چند متنوع بوده و نسبت به گذشته‌ها حمل و نقل را سریع و آسان نموده‌اند؛ اما به نوبه خود خطر آفرین و در مواردی مرگبار می‌باشند. هفته‌ای و یا ماهی نیست که خبر سقوط هواپیمایی در گوشه‌ای از جهان در رسانه‌ها انعکاس نیابد و هر روزه سوانح رانندگی عده‌ای را به کام مرگ نکشانند. در کشور ما هر ۲۰ دقیقه یک نفر بر اثر تصادف، جان خود را از دست می‌دهد و خسارات حوادث جاده‌ای، سالیانه ۴ هزار میلیارد تومان (معادل ۴ درصد تولید ناخالص داخلی) ارزیابی می‌شود.<sup>۱</sup>

تأسف بار آن‌که اغلب قربانیان در سنین جوانی و یانان‌آور و سرپرست خانواده‌ها می‌باشند. از طرفی، سر و صدای ناشی از اتومبیل‌ها یکی از علل آلودگی صوتی و ایجاد ناراحتی‌های اعصاب و روان در کلان‌شهرها بوده و بر اساس بررسی‌های انجام‌شده هر خودرو در پایتخت سالانه یک تن آلاینده تولید و در فضای اطراف پخش می‌کند و با در نظر گرفتن دو میلیون و ششصد هزار خودرو، سالیانه دو میلیون و ششصد تن آلاینده وارد فضای شهر تهران می‌شود.<sup>۲</sup>

۱. روزنامه همشهری: روز پنجم، دی ماه، ۱۳۸۶.

۲. روزنامه شرق: روز هفتم، تیر ماه، ۱۳۸۵؛ در روزنامه همشهری: روز دهم، دی ماه، ۱۳۸۷ رقم ۱/۶ میلیون تن آمده است.

این، گزارشی بود از پیشرفت علم و صنعت در وسایل نقلیه در زمان غیبت، آیا به نظر شما در جامعه پس از ظهور امام عصر ارواحنا فداء که آکنده از آسایش، آرامش، راحتی و امنیت بوده و انسان‌ها حتی از گزند حیوانات مصون و محفوظ می‌مانند، از این وسایل نقلیه مرگبار خبری خواهد بود؟!

اگر جواب منفی است جایگزین هواپیما، اتومبیل، موتورسیکلت و... چه خواهد بود؟!

در جواب این سؤال نیز همانند سایر مسائل، به سراغ روایات خاندان وحی علیهم‌السلام می‌رویم:

قبل از بیان روایات، لازم است مقدمه‌ای بیان شود: شاید شما نیز اصطلاح «طی الارض» را شنیده باشید. «طی الارض» از نظر لغوی یعنی پیچیده شدن زمین و در اصطلاح به معنای طی مسیری طولانی در زمانی کوتاه با استفاده از قدرت‌های روحی و قوای معنوی می‌باشد. چنین جریان‌هایی در زندگانی امامان معصوم علیهم‌السلام و اصحاب آن بزرگواران به وفور دیده شده و در کتاب‌های فضائل و مناقب ثبت و ضبط شده است.

کاری که طبق فرموده قرآن کریم، جناب آصف بن برخیا - وزیر و پسر عموی حضرت سلیمان علیه‌السلام - انجام داد و مادر او ایل کتاب به آن اشاره کردیم، از همین قبیل است.

در تشریفات که برخی مؤمنان به محضر حضرت ولی عصر ارواحنا فداء داشته‌اند و در کتاب‌های معتبر همچون «نجم الثاقب» مرحوم محدث نوری، و «دار السلام عراقی» نقل شده است، مکرراً از طی مسافت‌های طولانی در معیت و همراهی حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه در زمانی بسیار کوتاه سخن به میان آمده است.

در تشرّف معروف مرحوم حاج علی بغدادی به محضر مقدّس حضرت بقیّة الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه - که مرحوم محدّث قمی در «مفاتیح الجنان» آن را ذکر کرده - آمده است: ... چند قدمی نرفتم که خود را در صحن مقدّس (کاظمین علیهم السلام) در نزد کفشداری دیدیم و هیچ کوچه و بازاری را ندیدیم. حضرت باقر العلوم علیه السلام می فرمایند:

و... القائم منا ... تطوي له الأرض<sup>۱</sup>.

زمین برای قائم ما درهم پیچیده می شود (و در لحظه ای از هر نقطه به نقطه دیگر می رسد).

در عصر پیشرفته ظهور امام عصر ارواحنا فداه که قدرت های روحی و استعداد های عالی نهفته در نهاد بشر تحت ولایت آن حضرت شکوفا خواهد شد، از این امر نیز به دست مبارک آن بزرگوار رمز گشایی خواهد شد.

دوّمین موردی که در روایات به آن صریحاً اشاره شده است، استفاده از ابرها در جابجایی مؤمنان می باشد.

امام رئوف حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية والثناء می فرمایند:

وقتی قائم علیه السلام قیام نماید، (و دوران ظهور شکوهمند آن سرور فرارسد) خداوند امر می فرماید که فرشتگان بر مؤمنان سلام نموده و در مجالس آنان شرکت نمایند. وقتی مؤمنی نیازی داشته باشد فرشته ای را نزد حضرت مهدی علیه السلام می فرستد و او اطاعت نموده و به حضور حضرتش شرفیاب شده و حاجت و مشکل آن مؤمن را بازگو می نماید و باز می گردد.

ومن المؤمنین من يسير في السحاب، ومنهم من يطير مع

الملائكة، ومنهم من يمشي مع الملائكة مشياً، ومنهم من يسبق الملائكة، ومنهم من يتحاكم الملائكة إليه، والمؤمنون أكرم على الله من الملائكة، ومنهم من يصيره القائم عليه السلام قاضياً بين مائة ألف من الملائكة.<sup>۱</sup>

در آن دوران، برخی از مؤمنان بالای ابرها حرکت می‌کنند، برخی دیگر با فرشتگان به پرواز در می‌آیند و برخی با فرشتگان راه می‌روند و برخی، از فرشتگان سبقت می‌گیرند، و برخی از آنان، کسانی هستند که فرشتگان برای داوری نزد آنها می‌آیند.

مؤمنان در پیشگاه خداوند گرامی‌تر از فرشتگان هستند، در آن زمان، برخی از مؤمنان را حضرت مهدی عليه السلام در میان صد هزار فرشته به عنوان داور قرار می‌دهد.

نمونه‌هایی از سیر در آسمان به وسیله ابرها در زمان سایر امامان علیهم السلام نیز وجود داشته است. حکایت علی بن صالح طالقانی با حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از این قبیل است:

علی بن صالح می‌گوید: ... با اشاره دست حضرت، ابر پایین آمد. مرا سوار بر ابر نموده و فرمودند: این شخص را امانت نزد تو می‌سپارم، او را بردار و با خود ببر. سپس دستور بالا رفتن داد. ابر شروع به پرواز کرد. به خدا قسم؛ هیچ‌گونه ناراحتی و دردی احساس نکردم و هرگز دچار وحشت نشدم و مرا در چشم بر هم زدنی به طالقان رسانید و در همان خیابانی که اهل و عیال من آنجا بودند و محل سکونت من بود سالم بر زمین گذاشت.<sup>۲</sup>

۱. قطره‌ای از فضائل اهل بیت علیهم السلام؛ ۷۸۷/۲ به نقل از دلائل الإمامة؛ ۴۵۴ ح ۳۸.

۲. قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام به نقل از مناقب ابن شهر آشوب؛ ۳۰۱/۴ و مدینه المعجز؛ ۴۲۷/۶.



حشر و نشر با فرشتگان نیز موهبت ویژه‌ای است که نصیب مؤمنان زمان ظهور می‌شود. پرواضح است کسی می‌تواند با ملائکه همنشین شود که آراسته به صفات ملکوتیان باشد و این امر، حاکی از کمال یافتن انسان‌ها و برخورداری آنان از اخلاق والا در سایه ولایت امام معصوم علیه السلام و تربیت و عنایت آن بزرگوار است.

مبادا خدای ناکرده کسی در قدرت خداوند متعال و اهل بیت عصمت علیهم السلام - که مظهر قدرت لایزال الهی می‌باشند - شک و شبهه‌ای به دل راه دهد که این‌گونه کرامات پیش از این در امت‌های گذشته برای افراد صالحی همچون ذوالقرنین - که عبد صالح خداوند بود و پیامبر یا امام هم نبود - نیز رخ داده است تا چه رسد به امامان معصوم و خاندان وحی علیهم السلام که ابراهیم خلیل علیه السلام دعا می‌کند: خدایا؛ مرا از شیعیان (حضرت) علی علیه السلام قرار بده<sup>۱</sup>؛ تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

مردی از امیر عالم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پرسید: ذوالقرنین چگونه توانست به مشرق و مغرب برسد؟!  
آن حضرت فرمودند:

سَخَّرَ اللَّهُ لَهُ السَّحَابَ، وَمَدَّ لَهُ فِي الْأَسْبَابِ، وَبَسَطَ لَهُ النُّورَ،  
فَكَانَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ عَلَيْهِ سَوَاءً.<sup>۲</sup>

خداوند سحاب (ابر) را به سلطه او درآورد و اسباب را برای وی فراهم نمود و نور را برای وی بسط داد؛ به گونه‌ای که روز و شب برای او یکسان بود.

۱. بحارالانوار ۲۱۴/۳۶ ذیل آیه شریفه ﴿وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ﴾ سوره صافات، آیه ۸۳

۲. کمال الدین: ۳۹۲/۱.

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نیز درباره حضرت سلیمان علیه السلام فرمودند:

... فسخر الله عزوجل له الریح تجري بأمره رخاء حيث أصاب،  
وجعل غدوها شهراً ورواحها شهراً...<sup>۱</sup>

خداوند عزوجل باد را مسخر او نمود. باد به فرمان سلیمان سریعاً به هر کجا که حضرتش می خواست او را می بُرد. یک ماه را در یک بامداد و مسیر یک ماهه را در یک شام طی می نمود... .

آن حضرت پس از ذکر سایر اوصاف حکومت جناب سلیمان علیه السلام فرمودند:  
قد والله؛ اوتینا ما اوتی سلیمان وما لم یؤت سلیمان وما لم یؤت  
أحد من الأنبياء من العالمین.

به خدا سوگند؛ به تحقیق آنچه به سلیمان داده شده و آنچه به او عطا نشده بود را خداوند به ما ارزانی داشته بلکه آنچه را که به هیچ یک از پیامبران داده نشده خداوند به ما عطا فرموده است.

آری؛ خواننده گرامی؛ انسانی که می تواند با کرنش در برابر اولیای الهی و در سایه تربیت حجت های خداوند از فرشته برتر شود، پربال فرشتگان سوار شود، مخدوم فرشتگان گردد، در کمتر از چشم بر هم زدنی از شرق عالم به غرب عالم برود، آسمانیان را زیر بال و پر بگیرد و کهکشانها را سیر کند، اکنون و در این عصر ظلمانی و تاریک غیبت این گونه اسیر نیرنگ شیطان و سپاهش و زمین گیر و پای بند نفس اماره خویش گردیده است!

و این جاست که می فهمیم دشمن ترین دشمنان خاندان وحی علیه السلام در سقیفه بنی ساعده با افکندن ریسمان به گردن امیر عالم هستی و کبود نمودن چهره

ماه، چه ظلم و جنایتی در حق بشریت انجام دادند و چگونه صدها میلیارد انسان در این ۱۴ قرن از رسیدن به آن چه به خاطر آن آفریده شده بودند - یعنی عبادت خداوند از طریق اهل بیت علیهم السلام - بازماندند و دنیا و آخرتشان تباه و نابود گردید.

تکنولوژی امروز بشر در ساخت اتومبیل ها، قطارها، هواپیماها و... در مقایسه با آنچه پس از ظهور امام عصر ارواحنا فداه (انشاء الله هر چه زودتر) شاهد آن خواهیم بود، به این مثال شبیه است: کودکی را در نظر بگیرید که والدینش اسباب بازی هایی از جنس پلاستیک به شکل قطار، هواپیما، ماشین و... برای او خریده اند و او با ذوق و شوق کودکانه به بازی با آنها مشغول است و احیاناً اگر کسی به آنها دست درازی کند، مورد اعتراض کودک قرار می گیرد. وقتی این کودک بزرگ شود دیگر این اسباب بازی ها او را سرگرم ننموده و از او دلبری نخواهد کرد.

به طور حتم انسان ها در روزگار با عظمت ظهور، با مشاهده اتفاقات محیر العقول و زیبایی ها و شگفتی های فوق العاده ای که در آن زمان رخ خواهد داد، بدان همان کودکی که به سن بلوغ و تکامل عقلی رسیده است، حالات و روحیات زمان کودکی خود را به تمسخر گرفته و بر آن خواهند خندید.

## بی‌نیازی از خورشید

شیخ مفید در تفسیر آیه شریفه «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»<sup>۱</sup> از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمودند:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا، وَاسْتَغْنَى الْعِبَادُ عَنِ ضَوْءِ الشَّمْسِ، وَذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ.<sup>۲</sup>

وقتی حضرت قائم علیه السلام قیام کند زمین به نور پروردگارش روشن گردد و مردم از روشنایی خورشید بی‌نیاز شوند و تاریکی از بین برود.

و نیز از آن حضرت روایت شده که فرمودند:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا، وَاسْتَغْنَى الْعِبَادُ عَنِ ضَوْءِ الشَّمْسِ، وَصَارَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَاحِدًا، وَذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ.<sup>۳</sup>

قائم ما هنگامی که قیام کند زمین به نور پروردگارش روشن گردد و مردم از نور خورشید بی‌نیاز شوند و شب و روز یکسان و تاریکی از بین برود.

این بحث را با روایتی که در آن امام صادق علیه السلام اوصاف بهشت و بهشتیان را برای روزگار با عظمت ظهور امام عصر ارواحنا فداه بیان فرموده‌اند به پایان

۱. سوره زمر، آیه ۶۹: «و زمین به نور پروردگارش روشن گردد».

۲. قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام: ۱/۷۳۳ به نقل از الإرشاد: ۴۱۰ و بحار الأنوار: ۳۳۷/۵۲.

۳. قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام: ۱/۷۷۳ به نقل از دلائل الإمامة: ۴۵۴ و إثبات الهداة: ۵۷۳/۳.

می بریم: جناب مفضل از امام صادق علیه السلام نقل می کنند که آن حضرت فرمودند:

... یكون ضوء البلاد نوره، ولا يحتاجون إلى شمس ولا قمر،  
ولا يكون على وجه الأرض مؤذٍ ولا شرٌّ ولا إثم ولا فساد أصلاً،  
لأنّ الدعوة سماویة، لیست بأرضیة، ولا یكون للشیطان فیها  
وسوسة ولا عمل ولا حسد ولا شیء من الفساد.

ولا تشوك الأرض والشجر، وتبقى زروع الأرض قائمة، كلما  
أخذ منها شيء نبت من وقته، وعاد كحاله، وإنّ الرجل لیکسو  
ابنه الثوب فیطول معه كلما طال، ویتلون علیه أيّ لون أحبّ  
و شاء.<sup>۱</sup>

(در روزگار حضرت مهدی ارواحنا فداه) روشنایی شهرها، نور آن حضرت  
است و مردم احتیاجی به خورشید و ماه ندارند. و در روی زمین، هیچ  
آزاردهنده، شرّ، گناه و فساد نیست، به خاطر این که دعوت، آسمانی (و  
الهی) است نه زمینی، (بنابراین) برای شیطان در آن نه وسوسه‌ای و نه  
عمل و نه حسدی و نه چیزی از فساد می باشد.

(در آن روزگار) زمین و درخت خار نمی رویاند، زراعت‌های زمین همیشه  
پابرجا و سرسبز هستند و وقتی از آن برداشت کنند، در همان وقت می روید  
و به حالت اولش برمی گردد.

انسان به فرزندش لباس می پوشاند و با بزرگ شدن او، لباسش نیز بزرگ  
می شود و به هر رنگی که آن فرزند دوست داشته باشد و دلش بخواهد،  
درمی آید.

۱. حضور در دولت کریمه امام زمان علیه السلام: ۲۰۱ به نقل از دلائل الإمامة: ۴۶۲.

## منابع و مصادر کتاب:

۱. قرآن کریم
۲. إرشاد القلوب: حسن بن ابی الحسن محمد دیلمی، نشر دار الأسوة - قم
۳. اصول کافی: ثقة الإسلام مرحوم کلینی، دار الکتب الإسلامیة - تهران
۴. بحار الأنوار: علامة مجلسی، کتابفروشی اسلامیة - تهران
۵. بشارت عهدین: محمد صادق، دارالکتب الإسلامیة - تهران، چاپ چهارم ۱۳۶۲
۶. التفسیر العیاشی: محدث جلیل مسعود بن عیاش سمرقندی، مکتبة اسلامیة - تهران
۷. جامع أحادیث الشيعة: حاج شیخ اسماعیل معزی ملایری، ناشر: مؤلف - قم
۸. حضور در دولت کریمه امام زمان علیه السلام: محمدرضا رحیمیان، عطر عترت - قم،
۹. حياة القلوب: علامة مجلسی، کتابفروشی اسلامیة، تهران
۱۰. الخصال: مرحوم شیخ صدوق، مترجم: صادق حسن زاده، نشر برادران - قم، چاپ دوم سال ۱۳۸۶
۱۱. دلائل الإمامة: ابو جعفر محمد بن جریر طبری، مؤسسه بعثت، تهران
۱۲. دولت کریمه امام زمان علیه السلام: سید مرتضی مجتهدی سیستانی، نشر الماس - قم
۱۳. روزگار رهایی (ترجمه يوم الخلاص): مترجم: علی اکبر مهدی پور، نشر آفاق - قم
۱۴. صحیفه مهدیه: سید مرتضی مجتهدی سیستانی، نشر الماس - قم،
۱۵. الصراط المستقیم: شیخ زین الدین علی بن یونس عاملی، مؤسسه العروة الوثقی

۱۶. العبقری الحسان: علامه شیخ علی اکبر نهاوندی، انتشارات مسجد جمکران - قم
۱۷. عقد الدرر: یوسف بن یحیی شافعی، انتشارات مسجد مقدّس جمکران، قم.
۱۸. العقد الفرید: عبد ربّه اندلسی، نشر دارالکتاب عربی، بیروت
۱۹. الغیبة: مرحوم شیخ نعمانی، محقق: علی اکبر غفّاری، دار الکتب الإسلامیة، تهران
۲۰. فروع کافی: مرحوم کلینی، گروه مترجمان، انتشارات قدس - قم، چاپ اوّل
۲۱. قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام (ترجمه کتاب القطرة): علامه سیّد احمد مستنبط، ترجمه محمّد ظریف، محمّد حسین رحیمیان، نشر الماس - قم
۲۲. کمال الدین: عالم بزرگوار شیخ صدوق، مترجم: منصور پهلوان، انتشارات مسجد مقدّس جمکران، قم
۲۳. کنز العمال: متقی هندی، منشورات دارالکتب العلمیة - بیروت
۲۴. مجمع النورین: شیخ ابوالحسن ابن محمّد نجفی مرندی، انتشارات آل عبا - قم
۲۵. مختصر البصائر: شیخ عزالدین حسن بن سلیمان حلّی (از اعلام قرن هشتم هجری)، مؤسسه نشر اسلامی - قم، سال ۱۴۲۱ هـ ق
۲۶. مستدرک سفینه البحار: شیخ علی نمازی شاهرودی، مؤسسه نشر اسلامی، قم
۲۷. مفاتیح الجنان: مرحوم حاج شیخ عباس قمی
۲۸. مکیال المکارم: آیه الله سیّد محمّد تقی موسوی اصفهانی، مسجد مقدّس جمکران، قم
۲۹. منتخب الأثر: آیه الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی، نشر کتابخانه صدر، تهران
۳۰. نجم الثاقب: مرحوم محدّث نوری، انتشارات مسجد مقدّس جمکران، قم
۳۱. نهج الفصاحة: کلمات قصار پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، نشر انصاریان، قم
۳۲. ینابیع المودّة: قندوزی حنفی، منشورات مکتبة الحیدریة - نجف اشرف